

تأثیر آسیب‌های اجتماعی بر زیست‌پذیری در فضاهای شهری (مطالعه موردی: شاهین‌دژ)

حسن حکمت‌نیا* - دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه پیام‌نور یزد، یزد، ایران

میرنجف موسوی - استاد گروه جغرافیا، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران

نوبخت سبحانی - دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات تهران، تهران، ایران

سینا سلمانزاده - کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

تأیید مقاله: ۱۳۹۹/۱۱/۱۵

پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۲/۰۶

چکیده

طی سال‌های اخیر، توجه به آسیب‌های اجتماعی در فضاهای شهری بسیار افزایش یافته و این امر بر کم و کیف زیست‌پذیری تأثیر گذاشته است. شهر شاهین‌دژ به‌عنوان شهری کوچک‌انداز با آسیب‌های اجتماعی مواجه بوده و به همین دلیل بررسی آن از ضرورت و اهمیت خاصی برخوردار است. هدف این پژوهش به‌دنبال شناسایی میزان اثرگذاری آسیب‌های اجتماعی بر زیست‌پذیری شهر شاهین‌دژ و اثرپذیری از این شهر است. این پژوهش کاربردی و توصیفی-تحلیلی است. نتایج پژوهش براساس دیدگاه‌های شهروندان نشان می‌دهد وضعیت بیشتر شاخص‌های مورد مطالعه کمتر از ۳ است و زیست‌پذیری در شهر مورد مطالعه در وضعیت خوبی قرار ندارد. همچنین نتایج حاصل از روش دیمتل فازی براساس دیدگاه خبرگان و برنامه‌ریزان شهری نشان می‌دهد، شاخص‌های آسیب‌های اجتماعی مانند بیکاری با امتیاز ۴/۹۳، بیگانگی و بی‌هویتی اجتماعی با امتیاز ۴/۶۴ و مدیریت ناکارآمد با امتیاز ۴/۵۷ به ترتیب در جایگاه‌های اول تا سوم از لحاظ اهمیت واقع شده‌اند و نقش مهمی در کاهش زیست‌پذیری شهر شاهین‌دژ دارند؛ بنابراین در بخش‌های یافته‌های پژوهش مشخص شد که درآمد نامناسب، نابرابری اجتماعی و بیکاری در جایگاه‌های نخست واقع شده‌اند و نشان‌دهنده میزان اثرگذاری آن‌ها بر زیست‌پذیری فضاهای شهری و شاخص‌های اثرپذیر هستند. همچنین در بخش معلول نتایج گویای آن است که کمبود امکانات بهداشتی و سلامت جزء اثرپذیرترین شاخص‌ها و متأثر از مؤلفه‌های اثرگذار هستند. در پایان کار با هدف کاربردی‌سازی پژوهش و بهبود زیست‌پذیری در راستای کاهش آسیب‌های اجتماعی راهکارهایی ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی: آسیب‌های اجتماعی، زیست‌پذیری، فضاهای شهری، شهر شاهین‌دژ.

مقدمه

رشد روزافزون جمعیت در سطح شهرها مشکلاتی را در ابعاد مختلف برای شهرها فراهم کرده است (Monzon and Hernandez, 2016: 158; Mueller et al., 2018: 181; Porio, 2014: 245). این امر زمینه‌ساز نابرابری‌های اقتصادی-اجتماعی، افزایش سکونتگاه‌های غیررسمی و تخریب محیط‌زیست را به‌همراه داشته است (Kourtit, 2015; Liu, 2017: 1; Geng et al., 2019: 2). این چالش‌ها در کنار سایر مشکلات موجود در سطح شهرها، زیست‌پذیری شهری را به چالشی اساسی برای مدیران و برنامه‌ریزان مبدل کرده است (Teo, 2014: 916). با وجود این، طیف متنوع آسیب‌ها از جمله آسیب‌های اجتماعی از مهم‌ترین جنبه‌های آسیب‌شناسی شهری در بیشتر شهرهاست. امروزه، افزایش آسیب‌های اجتماعی در شهرها یکی از چالش‌های عمده مسئولان و مدیران شهری است که بیش‌ازپیش آن‌ها را با این موضوع مواجه کرده است. آسیب‌های اجتماعی مانند رشد بزهکاری و افزایش موج جرائم بر اثر پیشرفت‌های علمی، صنعتی و رشد پدیده شهرنشینی، ارتباطات و حمل‌ونقل، ناتوانی نهاد کیفی را در مهار موج بزهکاری مشخص کرده است؛ بنابراین ضرورت دست‌یافتن به اقدام‌های پیشگیرانه دیگر که ریشه‌های عوامل جرم‌زا را در محیط بررسی می‌کنند، در این زمینه لازم به‌نظر می‌رسد (کالنتری، ۱۳۹۸: ۵۸).

آسیب‌های اجتماعی زمانی پدید می‌آیند که در جامعه بر اثر عوامل متفاوت اختلالاتی صورت بگیرد که تعادل عمومی، عملکرد شهر و ساکنان آن را به مخاطره بیندازد. این اختلال‌ها بنا به میزان و شدت آن‌ها می‌توانند اثری متفاوت داشته باشد (ملکی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۰۰) و این امر می‌تواند پایداری یک شهر را با مشکلاتی فراوانی روبه‌رو کند؛ بنابراین پایداری شهری درگرو افزایش زیست‌پذیری، تأمین رفاه نسبی، مشارکت شهروندان و افزایش آگاهی اجتماعی برای همه اعضای جامعه است. درواقع پایداری مستلزم رعایت عدالت اجتماعی و افزایش زیست‌پذیری در سطح شهرها و همچنین توجه متوازن به وجوه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی حیات جامعه است (خوش‌فر و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۱). درصورت ناپایداری علاوه بر اینکه زمینه برای کاهش زیست‌پذیری فراهم می‌شود، ممکن است انواع آسیب‌های اجتماعی بروز یابد (جلوداران، ۱۳۹۶: ۱۶)؛ بنابراین زیست‌پذیری سکونتگاه به‌نوعی می‌تواند بیانگر پایداری آن سکونتگاه باشد (آروین و همکاران، ۱۳۹۷: ۲).

وجود انواع آسیب‌های اجتماعی مانند اعتیاد، فقر، بیکاری و غیره از یک سو (روشن‌قیاس و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۸) و تنوع بیشتر قومیت‌ها و فرهنگ‌ها از سوی دیگر بر گستردگی آن در شهرها دامن زده و موجب بروز انواع مختلفی از آسیب‌ها در زمان‌ها و مکان‌های مختلف شده است؛ به‌گونه‌ای که بشر در هیچ مقطع خاصی به این میزان دچار انحراف و سقوط اخلاقی نشده و جامعه بشری نیز دچار چنین مصیبت‌های ناشی از جرائم، انحرافات و جنایات و غیره نشده است (خاکپور و پیری، ۱۳۸۴: ۱۴). امروزه محیط‌زیست بیشتر شهرها با مشکلاتی فراوانی روبه‌رو هستند که این امر توجه ویژه‌ای را می‌طلبد. در این باره وجود اصطلاحاتی مانند زیست‌پذیری، شهر خلاق، شهر پایدار و غیره همگی به ارتقا و بهبود کیفیت زندگی اشاره دارند؛ از این‌رو همواره مدیران و متخصصان شهری تلاش دارند راه‌حلی را برای کاهش و رفع مشکلات زیست پیدا کنند. به همین دلیل امروزه دیدگاه‌های متعددی در این باره ابراز شده که اصطلاح زیست‌پذیری نیز

از آن جمله است (شماعی و بیگدلی، ۱۳۹۵: ۱۷۲)؛ بنابراین سنجش و ارزیابی زیست‌پذیری می‌تواند در مقیاس‌های متفاوت (شهر، محله‌ها، شهرک‌ها، شهرهای جدید و غیره) انجام شود (بندرآباد و احمدی‌نژاد، ۱۳۹۳: ۵۶).

در شهرهای ایران نیز به دلیل هجوم جمعیت به سوی شهرها و بی‌توجهی به توانایی محیطی شهرها و سایر عوامل سبب ایجاد شرایط بحرانی در شهرها و کاهش زیست‌پذیری آن‌ها شده است (همان: ۱۷۱-۱۷۴). به همین منظور، شهر شاهین‌دژ نیز این قاعده مستثنا نیست و با انواع آسیب‌های اجتماعی روبه‌روست. موقعیت و دسترسی نامناسب شهر شاهین‌دژ، نبود صنایع سنگین و نیمه‌سنگین مختلف در شهرک‌ها، اشتغال پایین جوانان و نبود برنامه‌ریزی و مدیریت مناسب سبب می‌شود که این شهر در آینده‌ای نه‌چندان دور با آسیب‌های فراوانی روبه‌رو شود. همچنین این شهر به‌عنوان شهر کوچک‌اندام استان آذربایجان غربی با افزایش بی‌رویه جمعیت از محیط و پیرامون خود مواجه است. این افزایش جمعیت می‌تواند زمینه را برای افزایش اسکان غیررسمی، ساخت‌وسازهای بی‌رویه در مرکز شهر و پیرامون آن فراهم کند. همچنین به دلیل کوهستانی بودن می‌تواند ظرفیت کمتری در پذیرش جمعیت داشته باشد؛ در نتیجه توجه به ظرفیت شهر و میزان مهاجرپذیری آن می‌تواند نقش بسیار مؤثری در کاهش یا بهبود زیست‌پذیری و کاهش آسیب‌های اجتماعی داشته باشد؛ بنابراین بحث آسیب‌های اجتماعی و تأثیر آن بر زیست‌پذیری شهرهای کوچک‌اندام از ضرورت خاصی برخوردار است؛ از این‌رو هدف این مقاله بررسی مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی تأثیرگذار و تأثیرپذیر بر زیست‌پذیری شهر شاهین‌دژ بوده است. این پژوهش برخلاف سایر پژوهش‌ها، با رویکرد نوین و با استفاده از مؤلفه‌های تأثیرگذار و تأثیرپذیر بر روند تحولات زیست‌پذیری شهر شاهین‌دژ و همچنین تحلیل شرایط موجود، آسیب‌های اجتماعی پیش‌رو را شناسایی و آن‌ها با استفاده از برنامه‌ریزی و مدیریت کارآمد برطرف کرده است که این امر تنها در سایه یکپارچگی سازمان‌ها و نهادهای تصمیم‌گیر و سیاست‌گذار امکان‌پذیر است.

مبانی نظری پژوهش

آسیب‌های اجتماعی

آسیب‌های اجتماعی در وسیع‌ترین مفهوم خود، چندین عامل استرس‌زا و شوک‌های موجود از جمله سوءاستفاده، محرومیت اجتماعی و خطرات طبیعی را دربرمی‌گیرد. این آسیب‌ها به ناتوانی افراد، سازمان‌ها و جوامع اشاره دارد که نمی‌توانند در برابر تأثیرات زیان‌آور چندین عامل استرس‌زا که در معرض آن قرار دارند، ایستادگی کنند. این تأثیرات بخشی از ویژگی‌های ذاتی در تعاملات اجتماعی، مؤسسات و نظام‌های ارزش‌های فرهنگی هستند و به‌طور روز افزون در شهرها و گروه‌های اجتماعی و بوم‌شناسانه مورد مطالعه قرار می‌گیرند. مفهوم آسیب‌های اجتماعی به‌تازگی در گفتمان درباره‌ی موضوع مخاطرات و بلایای طبیعی ظهور کرده است. به‌طور مشابه، نظریه‌های متعددی درباره‌ی آسیب‌های اجتماعی وجود دارد و بیشتر کاری که تاکنون انجام شده، بر مشاهده تجربی و مدل‌های مفهومی تمرکز داشته است؛ بنابراین پژوهش در مورد آسیب‌های اجتماعی یک نظریه محدود‌ه‌ی میانی و نمایانگر تلاش برای درک شرایطی است که مخاطرات اجتماعی را بررسی می‌کند که این مفهوم بر دو موضوع اصلی تأکید دارد:

۱. علل و پدیده فجایع به‌کمک فرایندهای اجتماعی و ساختارها تعریف می‌شوند؛ بنابراین این تنها یک خطر بیوفیزیکی نیست، بلکه زمینه اجتماعی است که برای درک بلایای طبیعی باید مدنظر قرار گیرد.

۲. اگرچه گروه‌های مختلفی از یک جامعه ممکن است در معرض خطرات قرار داشته باشند، ممکن است یک خطر سبب تغییر نتایج این گروه‌ها شود؛ زیرا آن‌ها توانایی‌ها و قابلیت‌های متفاوتی برای مقابله با اثرات یک خطر دارند (Spini and Elcherth, 2009: 193). آسیب‌های اجتماعی شامل ترکیبی از عواملی است که میزان و چگونگی زندگی را مشخص می‌کند. آسیب‌های اجتماعی که به تعبیر بعضی از اندیشمندان حاصل و معلول مستقیم انقلاب صنعتی هستند، در بیشتر جوامع وجود دارند و تأثیرات خود را می‌گذارند، اما آنچه جوامع مختلف را در این مورد از هم متفاوت می‌کند، نوع نگرش این جوامع به علل بروز آسیب‌ها و راهکارهای اصلاح و بهبود آن است. آسیب‌های اجتماعی به تاب‌آوری جوامع هنگام مواجهه با تنش‌های خارجی بر سلامت انسان تأکید می‌کند؛ مانند بلایای طبیعی، بلایای ناشی از فعالیت انسان یا شیوع بیماری. کاهش آسیب‌های اجتماعی به کمک راهکارهای مناسب و علمی می‌تواند مشکلات انسان و مشکلات اقتصادی را کاهش دهد. آسیب‌های اجتماعی ابعادی دارد که عبارت‌اند از: سطح فقر، دسترسی نامحدود به منابعی مانند اطلاعات، دانش و فناوری، دسترسی نامحدود به قدرت سیاسی، فقدان یا محدودیت سرمایه اجتماعی از جمله شبکه‌های اجتماعی و ارتباطات، باورهای نادرست، آداب و رسوم نادرست در پاسخ به خطر یا فجایع و محیط‌های مسکونی آسیب‌پذیر مانند ساختار ضعیف، حفاظت ضعیف، نگهداری ضعیف و غیره (Forney, 2019: 240)؛ بنابراین آسیب‌های اجتماعی ریشه‌یابی و از کلی‌گویی در جامعه پرهیز شود و همچنین با ارائه راهکارهای مدرن، جزئیات آسیب‌های اجتماعی مدنظر قرار بگیرد (Climent-Gil, et a., 2018: 73) تا به نحو مطلوبی بتوانند با مشکلات اجتماعی ساکنان شهرها برخورد کنند و بهترین و کم‌هزینه‌ترین اقدامات را برای آن‌ها در نظر بگیرند (Laitinen, 2019). آسیب‌های اجتماعی با عوامل مختلفی مانند عوامل فیزیکی، اجتماعی، اقتصادی و محیطی یا فرآیندها تعیین می‌شود که آسیب‌پذیری یک جامعه را در اثر وجود مخاطرات مختلف افزایش می‌دهد. فقر، اشغال، اختلاف طبقاتی، قومیت، محرومیت، نادیده گرفته شدن، حاشیه‌نشینی و نابرابری در استفاده از امکانات در یک جامعه، آسیب‌های اجتماعی را افزایش می‌دهد (Thompson, 2018: 8).

آسیب‌های اجتماعی با وجود برخورداری از تنوع و نسبییت، پدیده‌هایی واقعی و قانونمندی است. قانونمندی آسیب‌ها کنترل‌پذیری آن‌ها را ممکن می‌کند؛ بنابراین آسیب‌های اجتماعی قابل‌درمان و پیشگیری هستند. میزان موفقیت هر کشور در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی معرف کارایی نظام اجتماعی غالب در آن جامعه است. برخی به‌اشتباه آسیب‌های اجتماعی را جزء پیامدهای اجتناب‌ناپذیر مدرنیته یا توسعه می‌دانند. اگرچه هر تغییری عوارضی دارد و برای توسعه، هزینه پرداخت می‌شود، این بدان معنا نیست که هر نوع تغییری توسعه دانسته و برای آن هر نوع هزینه‌ای پرداخته شود. آسیب‌های اجتماعی که به معنای کژکارکردهای واحدهای جمعی یا کژکارکردهای افراد است، نه تنها شاخص توسعه نیستند، بلکه نشانه‌های بحران هستند؛ بنابراین هرچه میزان آسیب‌های اجتماعی در جامعه بیشتر باشد، شدت بحران هم بیشتر است (Freyenhagen, 2015: 135).

مفهوم زیست‌پذیری

زیست‌پذیری واژه کلیدی مهمی در بسیاری از شهرها در دهه ۱۹۶۰ بود که به‌عنوان برنامه‌ریزی مدرن برای توسعه شهری ظهور کرد که بیشتر به دنبال ترویج توسعه صنعتی و جایگزینی محله‌های قدیمی با خیابان‌های عریض،

بزرگ‌راه‌ها و ساخت مسکن‌های مدرن بود. با توجه به مشکلات متعدد شهرها، رویکردهای مختلفی برای ارتقا و بهبود شرایط زندگی در آن‌ها پیشنهاد و مطرح شده است که زیست‌پذیری شهری یکی از آن‌هاست. امروزه زیست‌پذیری در بیشتر کشورهای توسعه‌یافته به‌عنوان یک اصل راهنما در چارچوب گفتمان پایداری در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی شهری گسترش یافته است (سلیمانی مهرنجانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۷). امروزه این مفهوم عوامل متعددی را دربرمی‌گیرد که به شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی محلی وابسته است و برای زندگی سالم همراه با بقای اقتصادی و اجتماعی، بسیار مهم است. زیست‌پذیری به وضعیت محیط زندگی اشاره دارد که کیفیت قابل‌قبولی از زندگی را به ساکنان منطقه‌ای خاص ارائه کند. زیست‌پذیری به شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به‌طور محلی بستگی دارد. در ایالات متحده، زیست‌پذیری به «کیفیت زندگی» و «رفاه» اشاره دارد؛ درحالی‌که در انگلستان، زیست‌پذیری به‌شدت بر محیط محلی یعنی تمیزی، ایمنی و سرسبزی تمرکز می‌کند. اگرچه تفسیر زیست‌پذیری با زمان و مکان متفاوت است، به‌نظر می‌رسد این مفهوم واژه‌هایی مانند «کیفیت زندگی»، «رفاه» و «رضایت زندگی» را در سراسر جهان به اشتراک می‌گذارد (Pandey et al., 2013: 374-375). بر همین مبنا، پاسیون زیست‌پذیری را به‌صورت یک کیفیت نشان داد که یک ویژگی ذاتی در محیط نیست، بلکه تابع رفتاری مربوط به تعامل بین ویژگی‌های محیطی و ویژگی‌های فردی است. ون‌هون^۱ زیست‌پذیری را با قابلیت سکونت و کیفیت زندگی در کشور برابر دانست. زیست‌پذیری که مفهومی ذهنی به‌شمار می‌آید و تفاوت آن با تأثیرات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محلی متفاوت است، به این شکل بر تصور و ادراک ساکنان درباره زندگی تأثیر می‌گذارد (Pandey et al., 2013: 374-375).

در شهرسازی نوین، زیست‌پذیری به شهری اطلاق می‌شود که مانند یک موجود زنده سالم و طبیعی، فرمانروا و فرمان‌پذیر است، می‌آموزد، ارزش‌ها را حس می‌کند و ارج می‌گذارد، اجزای آن با هم ارتباط کامل دارند، اندام‌های تنفسی دارد و سرزنده است (Kaal, 2011: 535-536). با وجود این می‌توان گفت زیست‌پذیری یک مفهوم مرتبط با رفاه و آسایش انسان است؛ بنابراین زیست‌پذیری براساس نظر جامعه آموزش‌ساز کالیفرنیا به مجموعه عواملی گفته می‌شود که کیفیت زندگی، سلامت و رفاه را برای افرادی که در یک محله یا شهر زندگی می‌کنند به ارمغان می‌آورد؛ بنابراین زیست‌پذیری به‌عنوان محصول تعامل میان شرایط اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی و محیطی تعریف می‌شود که بر رفاه انسانی و اجتماعی تأثیر می‌گذارد (Elsawy and Atef, 2019: 3).

فضای شهری

بدون شک شهر جامع‌ترین و پیچیده‌ترین موجودیت است که تمدن بشری آن را ایجاد کرده است که امروزه در پیشرفته‌ترین نسخه خود قرار دارد. فضای شهری پیچیده‌تر و از نظر مقیاس بزرگ‌تر است که درک آن در یک نگاه یا روش‌های معمول تجربه فضاهای شهری آسان نیست. در دوران مدرن، با تغییرات عمیقی که در همه ابعاد زندگی و سکونت رخ داده، بخش عمده فضاهای شهری به مکان‌های سوداژده تبدیل شده و تحت تأثیر نیروهای بازار در خدمت منافع جریان‌های محدود قرار گرفته است. درواقع، عقلانی‌سازی که از ثمرات دوره روشنگری است، به عقلانیت

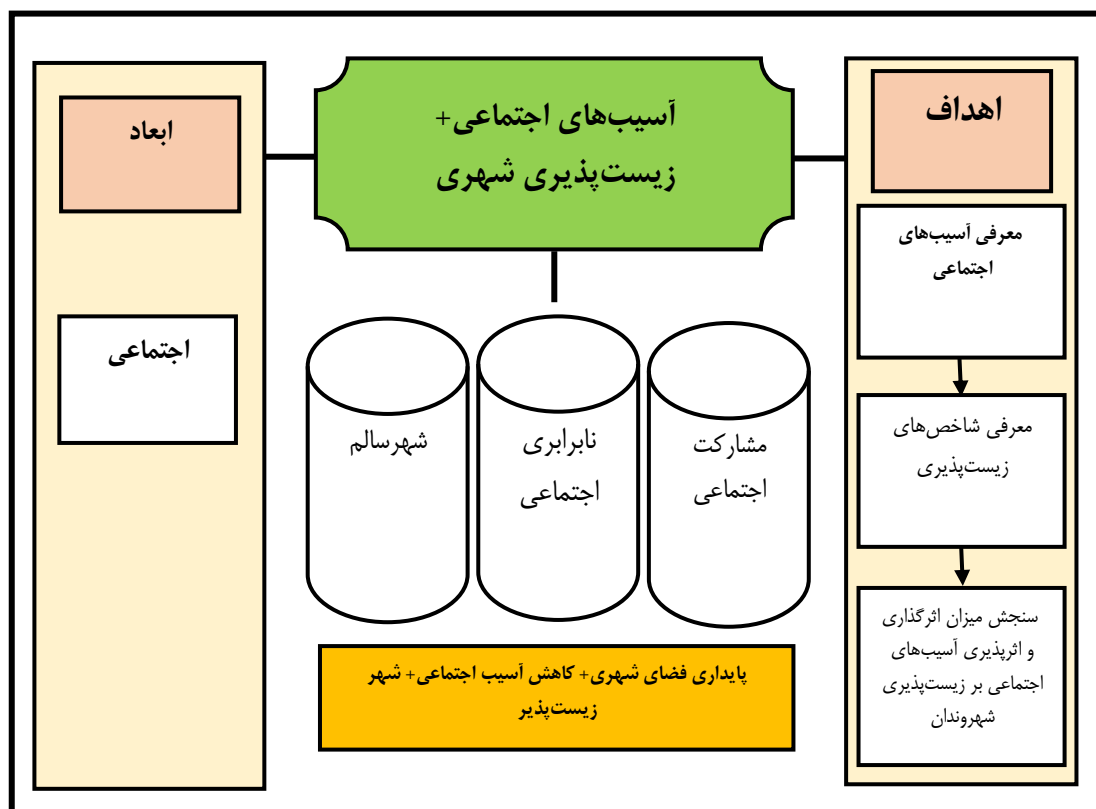
روش‌ها، ابزار و فناوری محدود شد. انعکاس این عقلانیت یک‌سویه یا «عقلانیت ابزاری» و نمود آن را می‌توان در دیالکتیک انسان، جامعه و طبیعت جست‌وجو کرد که نتیجه آن، تلاش انسان برای غلبه بر طبیعت و واردکردن خسارت‌های فراوان به آن است؛ نگرانی‌هایی که الگوی توسعه پایدار، امروزه از آن سخن می‌گوید (Panditharathne, 2016: 3-4). بررسی تغییر فضاهای شهری در دوره معاصر، حکایت از تأثیر نیروهایی خارج از این فضاها دارد که چالش‌های جدیدی را در مدیریت و ارتقای کیفیت فضای شهری پیش‌رو قرار می‌دهد. مبتنی بر قدرت این نیروها، دگرگونی‌هایی که در طول تاریخ به صورت تدریجی صورت می‌گرفته است، در زمان‌هایی کوتاه شکل می‌گیرد؛ بنابراین شناخت ماهیت دگرگونی شهری، دریچه‌های جدیدی را در زمینه نحوه مواجهه با چالش‌های معاصر می‌گشاید (Thompson, 2003: 534). بر این اساس می‌توان در طراحی فضاهای شهری با استفاده از عوامل و عناصر فضایی، کالبدی و ادراکی مناسب، فضاهای به وجود آورد که فعالیت‌های مطلوب را تسهیل و از فعالیت‌های نامطلوب ممانعت می‌کند (Inceoglu and Aytug, 2009)؛ بنابراین در سال‌های اخیر توجه به فضاهای شهری در همه جا رواج یافته و فضاهایی از قبیل پارک، مجموعه‌های پیاده، باغچه، محورهای پیاده‌روی برای استفاده‌های مختلف مردم ساخته شده است. (Georg, 2010: 2).

آسیب‌های اجتماعی بر زیست‌پذیری در فضاهای شهری

کیفیت محیط شهری، وابستگی بسیاری به کیفیت زیرساخت‌ها و مدیریت مناسب دارد (Islam, 1997). این رویکرد تلاشی برای ایجاد شهر سالم و دور از انواع آسیب‌های اجتماعی، فراهم کردن خدمات شهری مناسب و در دسترس برای همگان در چارچوب پایداری است (Harpham et al., 2001: 112). در طول تاریخ نرخ جرائم و آسیب‌های اجتماعی در نواحی شهری همواره بالا بوده است (Dhaliwal, 2000: 310)؛ به طوری که بسیاری از ناهنجاری‌ها و مسائل اجتماعی در جوامع شهری، مانند خشونت، پرخاشگری، تجاوز به حقوق همکاران و رعایت نکردن قانون ضمن داشتن ریشه‌های تاریخی، فرهنگی و اقتصادی در کیفیت فضاهای سکونتی و کاری آنان نهفته است (رهنمایی و شاه‌حسینی، ۱۳۸۳: ۱۹)؛ بنابراین نگرانی درباره کیفیت زندگی مدرن با توجه به آسیب‌های اجتماعی و مسائل مذکور از ویژگی‌های جامعه معاصر است (Pacione, 2003: 19). بر این اساس برای مسئله‌شناسی آسیب‌های اجتماعی در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته برنامه‌ریزان، اقتصاددانان، دانشمندان علوم اجتماعی و دولت‌مردان هرکدام از دیدگاه خاصی به این مقوله می‌نگرند و سعی و تلاش دارند الگویی پیشنهادی برای ارتقای سطح کیفیت زندگی بهتر و مطلوب در نواحی عقب مانده که با مسائل و معضلات آسیب‌های اجتماعی درگیرند، ارائه دهند. اما امروزه در شهرها، به‌ویژه کلان‌شهرها چه در ایران و چه در سایر کشورهای جهان مهم‌ترین کانون‌های بروز ناهنجاری و جرائم اجتماعی هستند و به همین دلیل در فرایند برنامه‌ریزی و مدیریت شهری برای طراحی یک شهر سالم، مسئله‌شناسی این مسائل و علل بروز آن و همچنین کاهش جرم و جنایت در محیط‌های شهری، به‌ویژه در سطح محله‌ها و مناطق شهری، یکی از مهم‌ترین اهداف در ایجاد شهر سالم به‌شمار می‌رود (Wekerle and Carolyn, 1998: 17)؛ بنابراین اقدامات مبتنی بر تخریب طبیعت و محیط‌زیست شهری انسان در محیط‌های شهری زندگی شهروندان را با مشکلات زیادی مواجه کرده است (حاتمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۴). به همین سبب، مطالعات فزاینده‌ای درباره موضوعاتی

مانند زیست‌پذیری شهری (Shamsuddin et al., Badland et al., 2014; Mccrea and Walters, 2012)؛ 2013؛ Leby and Hashim, 2010؛ Mahmoudi et al., 2014؛ شاهپوندی و همکاران، ۱۳۹۳؛ جعفری اسدآبادی و همکاران، ۱۳۹۲) و آسیب‌های اجتماعی (Kasarda and Lindsay, 2011؛ قرشی، ۱۳۹۳؛ صدیق سروسستانی، ۱۳۸۷؛ امیری و همکاران، ۱۳۹۲؛ معتمدی، ۱۳۸۶) صورت گرفته است.

تحت چنین شرایطی شناخت این مسائل و آسیب‌های اجتماعی با وجود برخورداری از تنوع و نسبیّت، پدیده‌هایی واقعی و قانونمند هستند. قانونمندی آسیب‌ها کنترل‌پذیری آن‌ها را ممکن می‌کند؛ بنابراین آسیب‌های اجتماعی که در سطح فضاهای اجتماعی وجود دارند، قابل‌درمان و پیشگیری هستند. پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در هر جامعه‌ای موکول به شناخت علمی ویژگی‌ها و قانونمندی‌های حاکم بر تحول آسیب‌ها در آن جامعه و به‌کارگیری یافته‌هایی در فرایند برنامه‌ریزی‌های اجتماعی است. این امر یکی از چالش‌های اساسی است که بیشتر دولت‌ها به‌ویژه در جوامع درحال‌گذر مانند ایران با آن روبه‌رو هستند. میزان موفقیت هر کشور در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی معرف کارایی نظام اجتماعی غالب در آن جامعه است (عظیمی، ۱۳۹۵: ۱۷۴)؛ بنابراین برنامه‌ریزی برای کاهش و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و افزایش زیست‌پذیری در شهرها، مستلزم شناخت و تبیین آسیب‌های اجتماعی و نیز شناخت شیوه‌های اجرایی پیشگیرانه و مزایا و چالش‌های عملی آن‌هاست. همچنین در شکل ۱ مدل مفهومی پژوهش آمده است.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

محدوده مورد مطالعه

شهر شاهین‌دژ در جنوب شرقی استان آذربایجان غربی قرار دارد و ارتفاع متوسط آن از سطح دریا ۱۵۰۰ متر است. این شهر در حالت کلی کوهستانی در دشت محدودی قرار دارد و از هر طرف با کوه‌های نسبتاً بلند محصور شده و سیمای آن را به صورت کاسه در آورده است. در این شهر اراضی جنگلی و بیابان وجود ندارد و در محدوده اقلیم نیمه‌خشک قرار دارد.

با توجه به جدول ۱، بیشترین تغییر و تحول در جمعیت شهر شاهین‌دژ در دهه ۱۳۶۵ رخ داده که نرخ رشد جمعیت آن ۸/۴ درصد بوده است. این دهه مصادف با وقوع انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی بوده که مهاجرت‌های بسیاری از اطراف روستاها به این شهر را رقم زده است. این مقدار تغییر و تحول طی سال‌های گذشته با فراز و نشیب‌های فراوانی روبه‌رو بوده است. به هر حال جمعیت در وضع موجود براساس مرکز آمار ایران ۴۳ هزار نفر است که در مقایسه با سال ۹۰ حدود ۵ هزار نفر بر وسعت جمعیت آن افزوده شده است. این امر به دلیل تمرکز خدمات برتر از سایر نقاط در شهرستان‌ها و مرکزداشتن آن در سطح شهرستان‌ها بستر افزایش جمعیت و مهاجرت را فراهم کرده است.

جدول ۱. وضعیت جمعیت شهر شاهین‌دژ طی ادوار مختلف

| سال | ۱۳۳۵ | ۱۳۴۵ | ۱۳۵۵ | ۱۳۶۵ | ۱۳۷۵ | ۱۳۸۵ | ۱۳۹۰ | ۱۳۹۵ |
|---------|------|------|------|-------|-------|-------|-------|-------|
| جمعیت | ۴۱۹۵ | ۶۰۸۹ | ۸۷۰۴ | ۱۹۵۱۲ | ۲۹۰۲۰ | ۳۴۲۰۲ | ۳۸۳۶۹ | ۴۳۱۳۱ |
| نرخ رشد | - | ۳/۸۰ | ۳/۶۴ | ۸/۴۱ | ۴/۰۵ | ۱/۶۶ | ۱/۱۶ | ۱/۱۸ |

روش پژوهش

پژوهش حاضر کاربردی و توصیفی-تحلیلی است. در این فرایند، متناسب با داده‌های موردنیاز پژوهش، از روش کتابخانه‌ای و منابع مرجع استفاده شد. ابزار گردآوری اطلاعات به صورت پرسشنامه مقایسه‌ای (صفر= بی‌اثر، ۱= اثرگذاری خیلی کم، ۲= اثرگذاری کم، ۳= اثرگذاری زیاد، ۴= اثرگذاری خیلی زیاد) و طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای (خیلی کم تا خیلی زیاد) بود. حجم نمونه در این پژوهش دو دسته است. دسته اول شامل متخصصان و مدیران شهری است که ۱۵ نفر به صورت تصادفی ساده انتخاب شدند. در این قسمت، برای تجزیه و تحلیل یافته‌ها از روش دیمتال فازی بهره گرفته شد. این روش یکی از روش‌های تصمیم‌گیری براساس مقایسه‌های زوجی است که پس از تشکیل یک ماتریس مقایسه‌ی زوجی بین معیارهای این پژوهش و استفاده از یک گروه مشخص برای امتیازدهی به کار می‌رود. روش مذکور، یکی از انواع روش‌های تصمیم‌گیری بر پایه مقایسه‌ی زوجی است. این تکنیک با بهره‌مندی از قضاوت خبرگان در استخراج عوامل یک سیستم و ساختاردهی سیستماتیک به آن‌ها، با استفاده از اصول تئوری گراف‌ها، ساختار سلسله‌مراتبی از عوامل موجود در سیستم را با روابط تأثیرگذاری و تأثیرپذیری متقابل و همچنین عناصر مذکور را به دست می‌آورد؛ به گونه‌ای که شدت اثر روابط مذکور را به صورت امتیازی عددی معین می‌کند؛ بنابراین روش فوق با استفاده از متغیرهای زبانی فازی، تصمیم‌گیری را در شرایط عدم اطمینان محیطی تسهیل می‌کند. همچنین روایی این تحقیق ۰/۷ بالاتر و تأیید شده است.

جدول ۲. شاخص‌های مورد مطالعه

| نماد | شاخص‌ها | منابع |
|------|------------------------------|---|
| A1 | نامنی | امیری و همکاران، ۱۳۹۲ |
| A2 | شکاف فقر | شکویی، ۱۳۸۵؛ شکویی، ۱۳۸۶؛ ایران‌دوست، ۱۳۸۹؛ ایران‌دوست و صرافی، ۱۳۸۶ |
| A3 | زنان سرپرست خانوار | معیدفر و حمیدی، ۱۳۸۶ |
| A4 | بزهکاری نوجوانان | کمال‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۴؛ انصاری‌نژاد، ۱۳۹۱؛ شکویی، ۱۳۸۵؛ ایران‌دوست، ۱۳۸۹؛ آقایی و همکاران، ۱۳۸۹ |
| A5 | درآمد نامناسب | افخمی عقدا و همکاران، ۱۳۹۵ |
| A6 | تکدی‌گری | سراج‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵؛ ایران‌دوست، ۱۳۸۹؛ معینی و جهان‌بازیان، ۱۳۹۸ |
| A7 | اعتیاد | آهی و همکاران، ۱۳۸۹؛ آقایی و همکاران، ۱۳۸۹ |
| A8 | وندالیسم | محسنی، ۱۳۸۸ |
| A9 | کمبود امکانات بهداشت و سلامت | مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، ۱۳۹۱ |
| A10 | نابرابری اجتماعی | زارع شاه‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۷؛ امیری و همکاران، ۱۳۹۲ |
| A11 | خشونت و پرخاشگری | رفیعی و همکاران، ۱۳۸۷ |
| A12 | بیگانگی و بی‌هویتی اجتماعی | مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، ۱۳۹۱ |
| A13 | کم‌سواد | روستا و پالیزیان، ۱۳۸۸ |
| A14 | ناهمگونی یافت اجتماعی | رهنمایی و همکاران، ۱۳۸۹ |
| A15 | تراکم و شلوغی جمعیت | شماعی و همکاران، ۱۳۹۱ |
| A16 | بیکاری | امیری و همکاران، ۱۳۹۲؛ فیض‌پور و لطفی، ۱۳۹۳ |
| A17 | کودکان خیابانی | رستگار و همکاران، ۱۳۹۷ |
| A18 | شبکه‌های اجتماعی و اینترنت | طاهری گلوندانی، ۱۳۹۱ |
| A19 | مدیریت ناکارآمد | مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، ۱۳۹۱؛ قرشی و همکاران، ۱۳۹۳ |
| A20 | کمبود مسکن | مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، ۱۳۹۱ |
| A21 | سرقت و باج‌گیری | محسنی، ۱۳۸۸؛ آقایی و همکاران، ۱۳۸۹ |
| A22 | خودکشی | رفیعی و همکاران، ۱۳۸۷ |

منبع: یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش

بررسی میزان اثرگذاری و اثرپذیری آسیب‌های اجتماعی بر زیست‌پذیری شهر شاهین‌دژ

نتایج دیدگاه‌های شهروندان

برای تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده از پرسشنامه از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده شده است. تحلیل داده‌های گردآوری شده از طریق پرسشنامه و مصاحبه با کارشناسان، متخصصان و شهروندان محدوده مورد مطالعه با استفاده از تحلیل میانگین عددی از دیدگاه پاسخگویان بر اساس آزمون تی تک نمونه‌ای مبین بالا بودن اثرگذاری شاخص‌های آسیب‌های اجتماعی بر زیست‌پذیری فضاهای شهری در محدوده مورد مطالعه می‌باشد. بنابراین با احتساب دامنه‌های طیفی شاخص‌های به کار گرفته شده که بین ۱ تا ۵ بر اساس طیف لیکرت در نوسان است. این میزان برای تمامی ابعاد به جزء شاخص‌های اثرگذاری شاخص‌های آسیب‌های اجتماعی، بالاتر از شرایط مطلوب ۳ ارزیابی شده است (جدول ۳).

در جدول ۴، چون مقدار معناداری کمتر از ۰/۰۵ است، در آزمون مذکور فرض H_0 رد می‌شود. با توجه به حد بالا و پایین نشان داده شده در جدول ۳ که بیشتر مثبت است و معیار آسیب اجتماعی به دلیل آنکه سطح معناداری آن ۰/۰۰۰ است، در نمونه موردی با سطح اطمینان ۹۵ درصد قابل قبول است.

جدول ۳. آزمون t تک‌نمونه‌ای برای نشان‌دادن معناداری تفاوت میانگین معیار آسیب اجتماعی

| ۳ = Value Test | | | | | | |
|--------------------|--------|-----|--------------|----------------|--------------------------|--------|
| معیار آسیب اجتماعی | t | df | سطح معناداری | اختلاف میانگین | فاصله با اطمینان ۹۵ درصد | |
| | | | | | کمتر | کمتر |
| معیار آسیب اجتماعی | ۱۲/۴۸۲ | ۳۷۵ | ۰/۰۰۰ | ۲/۱۴۰۰۰ | ۱/۷۹۵۵ | ۲/۴۸۴۵ |

جدول ۴. آزمون t تک‌نمونه‌ای برای نشان‌دادن معناداری تفاوت میانگین شاخص‌های پژوهش

| ۳ = Value Test | | | | | | | | |
|----------------|--------------|--------------------------|--------|----------------|--------------|-----|--------|------------------------------|
| خطای استاندارد | انحراف معیار | فاصله با اطمینان ۹۵ درصد | | اختلاف میانگین | سطح معناداری | df | t | |
| | | کمتر | بالاتر | | | | | |
| ۰/۱۳۴ | ۰/۹۴۸ | ۲/۴۱ | ۱/۸۷ | ۲/۱۴۰ | ۰/۰۰۰ | ۳۷۵ | ۱۵/۹۶۵ | ناامنی |
| ۰/۱۲۱ | ۰/۸۵۸ | ۲/۹۶ | ۲/۴۸ | ۲/۷۲۰ | ۰/۰۰۰ | ۳۷۵ | ۲۲/۴۱۴ | شکاف فقر |
| ۰/۰۷۱ | ۰/۵۰۵ | ۲/۶۴ | ۲/۳۶ | ۲/۵۰۰ | ۰/۰۰۰ | ۳۷۵ | ۳۵/۰۰۰ | زنان سرپرست خانوار |
| ۰/۱۰۵۷۱ | ۰/۷۴۷۵۱ | ۲/۰۳۲۴ | ۱/۶۰۷۶ | ۱/۸۲۰۰۰ | ۰/۰۰۰ | ۳۷۵ | ۱۷/۲۱۶ | بزهکاری نوجوانان |
| ۰/۱۱۲ | ۰/۷۸۹ | ۲/۳۲ | ۱/۸۸ | ۲/۱۰۰ | ۰/۰۰۰ | ۳۷۵ | ۱۸/۸۲۱ | درآمد نامناسب |
| ۰/۰۷۵۰۲ | ۰/۵۳۵۷۸ | ۱/۷۳۸۹ | ۱/۴۳۷۵ | ۱/۵۸۸۲۴ | ۰/۰۰۰ | ۳۷۵ | ۲۱/۱۷۰ | تکدی‌گری |
| ۰/۰۷۶ | ۰/۵۳۸ | ۱/۷۳ | ۱/۴۳ | ۱/۵۸۰ | ۰/۰۰۰ | ۳۷۵ | ۲۰/۷۶۸ | اعتیاد |
| ۰/۱۱۷ | ۰/۸۲۷ | ۱/۸۸ | ۱/۴۰ | ۱/۶۴۰ | ۰/۰۰۰ | ۳۷۵ | ۱۴/۰۲۱ | وندالیسم |
| ۰/۰۵۷ | ۰/۴۰۴ | ۱/۳۱ | ۱/۰۹ | ۱/۲۰۰ | ۰/۰۰۰ | ۳۷۵ | ۲۱/۰۰۰ | کمبود امکانات بهداشت و سلامت |
| ۰/۱۴۸۴۶ | ۱/۰۴۹۷۸ | ۲/۸۹۸۳ | ۲/۳۰۱۷ | ۲/۶۰۰۰۰ | ۰/۰۰۰ | ۳۷۵ | ۱۷/۵۱۳ | نابرابری اجتماعی |
| ۰/۱۳۵۵۰ | ۰/۹۵۸۱۰ | ۲/۲۵۲۳ | ۱/۷۰۷۷ | ۱/۹۸۰۰۰ | ۰/۰۰۰ | ۳۷۵ | ۱۴/۶۱۳ | خشونت و پرخاشگری |
| ۰/۱۲۱ | ۰/۸۵۷ | ۳/۶۴ | ۳/۱۶ | ۳/۴۰۰ | ۰/۰۰۰ | ۳۷۵ | ۲۸/۰۴۹ | بیگانگی و بی‌هویتی اجتماعی |
| ۰/۱۳۰ | ۰/۹۱۸ | ۲/۱۴ | ۱/۶۲ | ۱/۸۸۰ | ۰/۰۰۰ | ۳۷۵ | ۱۴/۴۸۳ | کم‌سواد |
| ۰/۱۰۸۶ | ۰/۷۶۹۰۴ | ۲/۱۹۸۶ | ۱/۷۶۱۴ | ۱/۹۸۰۰۰ | ۰/۰۰۰ | ۳۷۵ | ۱۸/۲۰۵ | ناهمگونی بافت اجتماعی |
| ۰/۶۲۷۶۷ | ۴/۴۳۸۲۸ | ۳/۹۲۱۳ | ۱/۳۹۸۷ | ۲/۶۶۰۰۰ | ۰/۰۰۰ | ۳۷۵ | ۴/۲۳۸ | تراکم و شلوغی جمعیت |
| ۰/۱۵۹۰۸ | ۱/۱۲۴۸۶ | ۳/۵۱۹۷ | ۲/۸۸۰۳ | ۳/۲۰۰۰۰ | ۰/۰۰۰ | ۳۷۵ | ۲۰/۱۱۶ | بیکاری |
| ۰/۱۲۰۶۸ | ۰/۸۵۳۳۲ | ۲/۱۶۲۵ | ۱/۶۷۷۵ | ۱/۹۲۰۰۰ | ۰/۰۰۰ | ۳۷۵ | ۱۵/۹۱۰ | کودکان خیابانی |
| ۰/۱۱۴۳۲ | ۰/۸۰۸۳۷ | ۲/۰۸۹۹۷ | ۱/۶۳۰۳ | ۱/۸۶۰۰۰ | ۰/۰۰۰ | ۳۷۵ | ۱۶/۲۷۰ | شبکه‌های اجتماعی و اینترنت |
| ۰/۱۰۵۲ | ۰/۷۴۳۹۶ | ۲/۴۵۱۴ | ۲/۰۲۸۶ | ۲/۲۴۰۰۰ | ۰/۰۰۰ | ۳۷۵ | ۲۱/۲۹۱ | مدیریت ناکارآمد |
| ۰/۱۲۷۸۱ | ۰/۹۰۳۷۳ | ۲/۳۹۶۸ | ۱/۸۸۳۲ | ۲/۱۴۰۰۰ | ۰/۰۰۰ | ۳۷۵ | ۱۶/۷۴۴ | کمبود مسکن |
| ۰/۸۳۴۸۵ | ۵/۹۰۱۳۷ | ۵/۱۹۷۱ | ۱/۸۴۲۹ | ۳/۵۲۰۰۰ | ۰/۰۰۰ | ۳۷۵ | ۴/۲۱۸ | سرقت و باج‌گیری |
| ۰/۰۶۹۹۹ | ۰/۴۹۴۸۷ | ۱/۷۴۰۶ | ۱/۴۵۹۴ | ۱/۶۰۰۰۰ | ۰/۰۰۰ | ۳۷۵ | ۲۲/۸۶۲ | خودکشی |

براساس جدول ۴، میانگین شاخص‌های بیگانگی و بی‌هویتی اجتماعی (۳/۴۰)، بیکاری (۳/۲۰) و سرقت و باج‌گیری (۳/۵۲)، بیشتر از حد متوسط میانگین ۳ است. به عبارت دیگر می‌توان در این شاخص‌ها معیار آسیب اجتماعی را در حد بیشتری قرار دارد. در مقابل میانگین شاخص‌های ناامنی (۲/۱۴)، شکاف فقر (۲/۷۲)، زنان سرپرست خانوار (۲/۵۰)، بزهکاری نوجوانان (۱/۸۲)، میزان درآمد (۲/۱۰)، تکدی‌گری (۱/۵۸)، اعتیاد (۱/۵۸)، وندالیسم (۱/۶۴)، کمبود امکانات بهداشت و سلامت (۱/۲۰)، نابرابری اجتماعی (۲/۶۰)، خشونت و پرخاشگری (۱/۹۸)، کم‌سواد (۱/۸۸)، ناهم‌گونی بافت اجتماعی (۱/۹۸)، تراکم و شلوغی جمعیت (۲/۶۰)، کودکان خیابانی (۱/۹۲)، شبکه‌های اجتماعی و اینترنت (۱/۸۶)، مدیریت ناکارآمد (۲/۲۴)، کمبود مسکن (۲/۱۴)، خودکشی (۱/۶) کمتر از متوسط میانگین است.

براین اساس، وجود آسیب‌های اجتماعی در هر شهری بستر افزایش بحران‌ها را فراهم می‌کند. زیست‌پذیری نیز متأثر از آسیب‌هایی مانند بیگانگی و بی‌هویتی اجتماعی، بیکاری، سرقت و سایر موارد قرار می‌گیرد. وجود چنین شرایطی برای آینده زیست‌پذیری و هم‌زیستی شهروندان نیز نگران‌کننده است و زمینه نابرابری زیست‌پذیری در میان ساکنان شهر شاهین‌دژ را سبب می‌شود. علاوه بر موارد فوق تداوم افزایش جمعیت به همراه رشد شهرنشینی و مشکلات اجتماعی حاصل از آن‌ها بحرانی جدی برای پایداری شهر تلقی می‌شود و در نتیجه فراهم‌کننده بسیاری از مشکلات کیفیت زندگی و به تبع آن زیست‌پذیری در شهر خواهد بود؛ بنابراین دستیابی نداشتن به زیست‌پذیری مناسب در چشم‌انداز کوتاه‌مدت می‌تواند دستیابی شهر مورد مطالعه به پایداری در چشم‌انداز بلندمدت را با چالش‌های فراوانی مواجه کند. در نتیجه، وجود چنین شاخص‌های در سطح شهر باید مدیریت شود تا مشکلات و سایر معضلات کاهش بیابد.

همچنین نتایج نشان می‌دهد، با سطح اطمینان ۹۵ درصد تفاوت معناداری میان میانگین شاخص‌های مدنظر با میانگین متوسط ۳ وجود دارد. همه شاخص‌های پژوهش با ضریب سطح معناداری ۰/۰۰۰ و از ۰/۰۵ کمتر است. وضعیت این شاخص‌ها در نمونه موردی در حد متوسطی قرار دارد. به جز شاخص‌های بیگانگی و بی‌هویتی اجتماعی، بیکاری، سرقت و باج‌گیری بیشتر از حد متوسط قرار دارند. از سوی دیگر میان آسیب‌های اجتماعی و زیست‌پذیری شهری رابطه معناداری برقرار است؛ به طوری که هرچه میزان آسیب‌های اجتماعی بیشتر باشد، به همان میزان زیست‌پذیری شهر به‌عنوان یک رویکرد پایدار در سطح شهر شاهین‌دژ نیز دچار مشکلاتی شده است که این امر می‌تواند زمینه‌ساز بحران آشفته‌گی در فضای شهری شود؛ بنابراین با شناخت انواع آسیب‌های اجتماعی در فضای شهری و از همه مهم‌تر میزان تأثیرگذاری و علل بروز انواع آسیب‌ها و طراحی یک مدل مناسب برای ارتقای زیست‌پذیری در فضای شهری می‌تواند تصمیم‌گیران را در درک بهتر پیچیدگی مشکلات هنگام شناسایی پتانسیل‌های بهبود رویکرد زیست‌پذیری در نقاط مختلف شهری یاری کند. با بررسی این مسائل و معضلات اجتماعی به‌صورت عمیق، راهکارها و راهبردهایی برای رفع آن ارائه شده تا توسعه مطلوب و پایدار در سطح شهر فراهم شود و در مقابل بحران‌های زیست‌پذیری عملکرد بهتر و مطلوبی داشته باشد.

نتایج دیدگاه‌های خبرگان و مدیران شهری

به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش از روش دیمتل فازی استفاده شد. به‌دلیل حجم زیاد محاسبات و جدول‌ها، تنها جدول نهایی قطعی میزان تأثیرگذاری و اثرپذیری معیارها ارائه شده است. در جدول نهایی (جدول ۵)، جمع عناصر هر سطر (D_i) نشان‌دهنده میزان تأثیرگذاری آن عامل بر عامل‌های دیگر است. جمع عناصر ستون (R_i) برای هر عامل نشان‌دهنده میزان اثرپذیری آن عامل از عامل‌های دیگر است. عوامل $R+D$ ، میزان تأثیر و تأثر عامل موردنظر است و عوامل $D-R$ ، قدرت تأثیرگذاری هر عامل را منعکس می‌کنند. اگر این عامل مثبت باشد، متغیر علی و اگر منفی باشد، معلول محسوب می‌شود.

جدول ۵. مقادیر اهمیت و اثرگذاری / اثرپذیری شاخص‌ها

| Di | | | Ri | | | Di+Ri | | | Di-Ri | | | دیفازی | دیفازی |
|-------|-------|-------|--------|-------|-------|--------|-------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|
| l | m | u | l | m | u | l | m | u | l | m | u | Di+Ri | Di-Ri |
| ۰/۶۰۲ | ۱/۶۵۶ | ۵/۷۶۰ | -۱/۵۵۲ | ۱/۵۷۵ | ۵/۳۹۰ | ۱/۱۵۴ | ۳/۳۳۱ | ۱۱/۱۴۹ | -۴/۷۸۸ | ۰/۰۸۱ | ۵/۲۰۸ | ۴/۴۵۵ | -۱/۱۲۵ |
| ۰/۵۳۴ | ۱/۵۴۵ | ۵/۳۸۴ | -۱/۶۱۱ | ۱/۶۷۱ | ۵/۵۵۲ | ۱/۱۴۵ | ۳/۲۱۶ | ۱۰/۹۳۶ | -۵/۰۱۹ | -۰/۱۲۶ | -۴/۷۷۳ | ۴/۴۱۲ | -۰/۰۸۸ |
| ۰/۴۶۷ | ۱/۴۳۶ | ۵/۱۷۴ | -۱/۳۷۴ | ۱/۲۸۴ | ۴/۹۰۴ | -۱/۸۴۲ | ۲/۷۲۰ | ۱۰/۰۷۸ | -۴/۴۳۷ | ۰/۱۵۲ | ۴/۸۰۰ | ۳/۹۰۸ | -۱/۱۵۷ |
| ۰/۳۹۷ | ۱/۳۲۱ | ۴/۹۸۵ | -۱/۵۴۷ | ۱/۵۶۶ | ۵/۵۱۹ | -۰/۹۴۳ | ۲/۸۸۶ | ۱۰/۵۰۴ | -۵/۱۲۳ | -۰/۳۴۵ | ۴/۴۳۸ | ۴/۱۰۱ | -۰/۳۲۱ |
| ۰/۴۳۶ | ۱/۳۸۶ | ۵/۱۵۱ | -۱/۲۷۵ | ۱/۱۲۲ | ۴/۵۵۱ | -۰/۷۱۲ | ۲/۵۰۷ | ۹/۷۰۲ | -۴/۱۱۵ | ۰/۲۶۴ | ۴/۸۷۶ | ۳/۶۸۶ | -۱/۲۸۲ |
| ۰/۴۹۱ | ۱/۴۷۴ | ۵/۲۷۷ | -۱/۴۳۹ | ۱/۳۹۰ | ۵/۳۳۱ | -۰/۹۳۰ | ۲/۸۶۳ | ۱۰/۵۰۸ | -۴/۷۴۰ | ۰/۰۸۴ | ۴/۸۳۸ | ۴/۰۸۴ | -۱/۰۸۰ |
| ۰/۴۴۴ | ۱/۳۹۸ | ۵/۱۷۳ | -۱/۵۰۱ | ۱/۴۹۲ | ۵/۴۰۰ | -۰/۹۴۶ | ۲/۸۹۰ | ۱۰/۵۷۲ | -۴/۹۵۶ | -۰/۰۹۴ | ۴/۶۷۰ | ۴/۱۱۴ | -۰/۰۷۷ |
| ۰/۲۶۸ | ۱/۱۱۰ | ۴/۵۳۰ | -۱/۴۲۶ | ۱/۳۶۹ | ۵/۰۹۲ | -۰/۶۹۴ | ۲/۴۷۸ | ۹/۶۲۳ | -۴/۸۲۵ | -۰/۲۵۹ | ۴/۱۰۴ | ۳/۶۵۱ | -۰/۳۴۰ |
| ۰/۲۸۳ | ۱/۱۳۴ | ۴/۵۱۸ | -۱/۵۳۰ | ۱/۵۳۸ | ۵/۴۶۰ | -۱/۸۱۲ | ۲/۶۷۲ | ۹/۹۷۸ | -۵/۱۷۷ | -۰/۴۰۴ | ۳/۹۸۹ | ۳/۸۵۶ | -۰/۳۹۰ |
| ۰/۵۹۸ | ۱/۶۵۰ | ۵/۵۵۰ | -۱/۴۲۵ | ۱/۳۶۷ | ۵/۱۷۷ | ۱/۰۳۳ | ۳/۰۱۷ | ۱۰/۷۳۷ | -۴/۵۷۹ | ۰/۲۸۳ | ۵/۱۲۵ | ۴/۳۳۲ | -۱/۲۵۸ |
| ۰/۴۴۸ | ۱/۴۰۵ | ۵/۱۸۸ | -۱/۳۶۸ | ۱/۲۷۳ | ۴/۹۳۴ | -۰/۸۱۶ | ۲/۶۷۸ | ۱۰/۱۲۲ | -۴/۴۸۶ | ۰/۱۳۲ | ۴/۸۲۰ | ۳/۸۸۴ | -۱/۱۴۲ |
| ۰/۶۰۹ | ۱/۶۶۸ | ۵/۷۶۹ | -۱/۶۴۶ | ۱/۷۲۹ | ۵/۸۳۷ | ۱/۲۵۵ | ۳/۳۹۶ | ۱۱/۶۰۶ | -۵/۲۲۸ | -۰/۰۶۱ | ۵/۱۲۳ | ۴/۶۴۴ | -۰/۰۲۹ |
| ۰/۴۲۰ | ۱/۳۵۹ | ۵/۰۹۱ | -۱/۴۳۸ | ۱/۳۸۷ | ۵/۱۴۴ | -۱/۸۵۸ | ۲/۷۴۶ | ۱۰/۳۳۵ | -۴/۷۳۴ | -۰/۰۲۹ | ۴/۶۵۳ | ۳/۹۵۳ | -۰/۰۰۹ |
| ۰/۵۶۰ | ۱/۵۸۸ | ۵/۷۲۸ | -۱/۵۸۶ | ۱/۶۳۱ | ۵/۶۱۴ | ۱/۱۴۶ | ۳/۲۱۹ | ۱۱/۳۴۲ | -۵/۰۵۴ | -۰/۰۴۳ | ۵/۱۴۲ | ۴/۴۷۶ | -۱/۰۰۸ |
| ۰/۴۵۵ | ۱/۴۱۶ | ۵/۲۹۷ | -۱/۳۸۲ | ۱/۲۶۵ | ۴/۷۷۹ | -۱/۸۳۷ | ۲/۶۸۱ | ۱۰/۰۷۶ | -۴/۳۳۴ | ۰/۱۵۰ | ۴/۹۱۶ | ۳/۸۸۱ | -۱/۹۱۱ |
| ۰/۷۷۷ | ۱/۹۴۴ | ۶/۲۳۵ | -۱/۶۴۳ | ۱/۷۳۴ | ۶/۰۰۳ | ۱/۴۲۰ | ۳/۶۶۸ | ۱۲/۳۳۸ | -۵/۲۲۵ | ۰/۲۲۰ | ۵/۵۹۲ | ۴/۹۳۱ | -۱/۹۴۴ |
| ۰/۵۱۳ | ۱/۴۸۲ | ۵/۳۹۶ | -۱/۴۴۵ | ۱/۳۹۹ | ۵/۱۸۰ | -۰/۹۵۸ | ۲/۸۸۰ | ۱۰/۵۷۶ | -۴/۶۶۷ | ۰/۰۸۳ | ۴/۹۵۱ | ۴/۱۰۹ | -۱/۰۰۷ |
| ۰/۴۱۹ | ۱/۳۵۷ | ۵/۰۷۱ | -۱/۳۸۳ | ۱/۲۹۸ | ۴/۷۶۵ | -۱/۸۰۲ | ۲/۶۵۵ | ۹/۸۳۶ | -۴/۳۴۷ | ۰/۰۵۸ | ۴/۶۸۸ | ۳/۸۲۰ | -۱/۰۰۲ |
| ۰/۶۱۰ | ۱/۶۷۰ | ۵/۷۰۳ | -۱/۶۱۳ | ۱/۶۷۴ | ۵/۷۰۹ | ۱/۲۳۳ | ۳/۳۴۴ | ۱۱/۴۱۲ | -۵/۰۹۸ | -۰/۰۰۴ | ۵/۰۹۱ | ۴/۵۷۷ | -۱/۰۱۶ |
| ۰/۳۷۶ | ۱/۲۸۶ | ۴/۹۸۱ | -۱/۳۸۷ | ۱/۳۰۴ | ۴/۹۳۰ | -۰/۷۶۲ | ۲/۵۸۹ | ۹/۹۱۱ | -۴/۵۵۵ | -۰/۰۱۸ | ۴/۵۹۴ | ۳/۷۸۳ | -۱/۰۱۳ |
| ۰/۴۴۵ | ۱/۳۹۹ | ۵/۰۱۸ | -۱/۳۸۵ | ۱/۳۰۱ | ۵/۰۰۶ | -۱/۸۳۰ | ۲/۷۰۰ | ۱۰/۰۳۴ | -۴/۵۶۱ | ۰/۰۹۸ | ۴/۶۳۳ | ۳/۸۸۵ | -۱/۰۸۳ |
| ۰/۳۸۲ | ۱/۲۹۶ | ۴/۹۲۰ | -۱/۵۷۹ | ۱/۶۱۹ | ۵/۷۲۱ | -۰/۹۶۰ | ۲/۹۱۴ | ۱۰/۶۴۰ | -۵/۳۳۹ | -۰/۳۳۳ | ۴/۳۴۱ | ۴/۱۴۳ | -۰/۳۱۰ |

یافته‌های پژوهش

پس از بررسی میزان اثرگذاری و اثرپذیری و میزان اهمیت عامل‌ها، وضعیت کلی آن‌ها در جدول ۶ آمده است. بخش Ri+Di نشان می‌دهد وجود شاخص‌های مانند بیکاری، بیگانگی و بی‌هویتی اجتماعی و مدیریت ناکارآمد به‌ترتیب با کسب امتیازهای ۴/۹۳، ۴/۶۴ و ۴/۵۷ در جایگاه‌های اول تا سوم واقع شده‌اند و نشان‌دهنده میزان اهمیت آن‌ها از سایر شاخص‌هاست و اهمیت اساسی در کاهش زیست‌پذیری در منطقه مورد مطالعه دارند. در این میان، وجود شاخص‌های مانند کمبود مسکن، کودکان خیابانی و وندالیسم نقش کمتری در کاهش زیست‌پذیری دارند و از لحاظ اهمیت در جایگاه‌های آخر قرار گرفته‌اند.

از سوی دیگر در بخش Ri-Di عامل‌ها مثبت، بیانگر میزان اثرگذاری آن‌ها هستند. در این میان، شاخص‌های مانند میزان درآمد نامناسب، نابرابری اجتماعی و بیکاری در جایگاه‌های نخست واقع شده‌اند و بیان‌کننده میزان اثرگذاری آن‌ها در کاهش زیست‌پذیری محدوده هستند و این شاخص‌ها در گروه علت قرار دارند. در نتیجه با شناسایی عوامل تأثیرگذار می‌توان با مدیریت صحیح و کارآمد نقش مؤثری در بهبود زیست‌پذیری محدوده مورد مطالعه داشت. وجود شاخص‌های مانند مدیریت ناکارآمد، کمبود مسکن و ناهم‌گونی بافت اجتماعی نیز در جایگاه‌های آخر قرار دارد و بیان‌کننده نقش کم‌رنگ آن‌ها در کاهش زیست‌پذیری است. در همین راستا، عامل‌های منفی کم‌سود، بیگانگی و بی‌هویتی اجتماعی،

اعتیاد، شکاف فقر و غیره هستند که جزء شاخص‌های تأثیرپذیر محسوب می‌شوند. شاخص‌های تأثیرپذیر عبارت‌اند از: شاخص کمبود امکانات بهداشت و خودکشی؛ بنابراین همه این شاخص‌ها در گروه معلول قرار می‌گیرند.

جدول ۶. وضعیت کلی عامل‌ها براساس Di-Ri و Di+Ri

| Di-Ri | | Di+Ri | | نماد | شاخص‌ها | میزان اهمیت | رتبه | شاخص‌ها | میزان تأثیرگذاری | رتبه | شاخص‌ها | میزان تأثیرپذیری | رتبه |
|------------------|------|------------------|------|------|------------------------------|-------------|------|----------------------------|------------------|------|------------------------------|------------------|------|
| میزان تأثیرپذیری | رتبه | میزان تأثیرگذاری | رتبه | | | | | | | | | | |
| -0/0882 | 4 | 0/1255 | 7 | A1 | نامنی | 4/4553 | 5 | نامنی | 0/1255 | 7 | شکاف فقر | -0/0882 | 4 |
| -0/2214 | 5 | 0/1574 | 5 | A2 | شکاف فقر | 4/4116 | 6 | زنان سرپرست خانوار | 0/1574 | 5 | بزهکاری نوجوانان | -0/2214 | 5 |
| -0/0767 | 3 | 0/2819 | 1 | A3 | زنان سرپرست خانوار | 3/9081 | 14 | درآمد نامناسب | 0/2819 | 1 | اعتیاد | -0/0767 | 3 |
| -0/2401 | 6 | 0/0797 | 11 | A4 | بزهکاری نوجوانان | 4/1009 | 11 | تکدی‌گری | 0/0797 | 11 | وندالیسم | -0/2401 | 6 |
| -0/3904 | 8 | 0/2576 | 2 | A5 | کودکان خیابانی | 3/6860 | 21 | نابرابری اجتماعی | 0/2576 | 2 | کمبود امکانات بهداشت و سلامت | -0/3904 | 8 |
| -0/0292 | 2 | 0/1416 | 6 | A6 | تکدی‌گری | 4/0844 | 12 | خشونت و پرخاشگری | 0/1416 | 6 | بیگانگی و بی‌هویتی اجتماعی | -0/0292 | 2 |
| -0/0092 | 1 | 0/0083 | 14 | A7 | اعتیاد | 4/1144 | 9 | ناهمگونی بافت اجتماعی | 0/0083 | 14 | کم‌سواد | -0/0092 | 1 |
| -0/3102 | 7 | 0/1914 | 4 | A8 | وندالیسم | 3/6509 | 22 | تراکم و شلوغی جمعیت | 0/1914 | 4 | خودکشی | -0/3102 | 7 |
| - | - | 0/1944 | 3 | A9 | کمبود امکانات بهداشت و سلامت | 3/8559 | 18 | بیکاری | 0/1944 | 3 | - | - | - |
| - | - | 0/1069 | 8 | A10 | نابرابری اجتماعی | 4/2325 | 7 | کودکان خیابانی | 0/1069 | 8 | - | - | - |
| - | - | 0/1017 | 9 | A11 | خشونت و پرخاشگری | 3/8842 | 16 | شبکه‌های اجتماعی و اینترنت | 0/1017 | 9 | - | - | - |
| - | - | 0/0163 | 12 | A12 | بیگانگی و بی‌هویتی اجتماعی | 4/6441 | 2 | مدیریت ناکارآمد | 0/0163 | 12 | - | - | - |
| - | - | 0/0128 | 13 | A13 | کم‌سواد | 3/9531 | 13 | کمبود مسکن | 0/0128 | 13 | - | - | - |
| - | - | 0/0833 | 10 | A14 | ناهمگونی بافت اجتماعی | 4/4757 | 4 | سرقت و باج‌گیری | 0/0833 | 10 | - | - | - |
| - | - | - | - | A15 | تراکم و شلوغی جمعیت | 3/8807 | 17 | - | - | - | - | - | - |
| - | - | - | - | A16 | بیکاری | 4/9309 | 1 | - | - | - | - | - | - |
| - | - | - | - | A17 | درآمد نامناسب | 4/1095 | 10 | - | - | - | - | - | - |
| - | - | - | - | A18 | شبکه‌های اجتماعی و اینترنت | 3/8197 | 19 | - | - | - | - | - | - |
| - | - | - | - | A19 | مدیریت ناکارآمد | 4/5773 | 3 | - | - | - | - | - | - |
| - | - | - | - | A20 | کمبود مسکن | 3/7828 | 20 | - | - | - | - | - | - |
| - | - | - | - | A21 | سرقت و باج‌گیری | 3/8845 | 15 | - | - | - | - | - | - |
| - | - | - | - | A22 | خودکشی | 4/1432 | 8 | - | - | - | - | - | - |

همه شاخص‌های آسیب‌های اجتماعی و میزان تأثیرگذاری آن‌ها در زیست‌پذیری شهر نشان می‌دهد تأثیرگذاری هرکدام از آن‌ها در کاهش زیست‌پذیری نقش مهمی در محدوده داشته‌اند؛ به‌ویژه شاخص‌های علی که از لحاظ تأثیرگذاری بیشترین وزن را به خود اختصاص داده‌اند و این امر گویایی آن است که این شاخص‌ها در کاهش زیست‌پذیری شهر شاهین‌دژ امری بسیار مهم و تأثیرگذار است. سایر شاخص‌های معلول نیز که تحت تأثیر شاخص‌های علی هستند، به بهبود و ارتقای شاخص‌های علی نیاز دارند. این ارتقا و بهبود می‌تواند زمینه‌ساز پایداری شهر و کاهش انواع آسیب‌های شهری باشد؛ بنابراین این امر نیازمند توجه جدی مدیران و مسئولان شهری به شاخص‌های تأثیرگذار و به عبارتی شاخص‌های علی است.

در حالت کلی نتایج حاصل از شهروندان و متخصصان گویای آن است که هر شهری مانند شهر شاهین‌دژ متأثر از آسیب‌های اجتماعی است و زیست‌پذیری شهر را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. براین اساس همه شاخص‌های مذکور از لحاظ تأیید و قابل قبول است و از نظر آن‌ها هرکدام می‌تواند به‌تنهایی یک معضل اساسی باشد و در نتیجه کنترل و ساماندهی فضایی شهرها از وجود چنین مشکلاتی پرهزینه و مشکل خواهد بود. در نتیجه، نظام مدیریتی و برنامه‌ریزی باید با رویکرد فضایی در کنار مشارکت شهروندان آسیب‌های اجتماعی را برنامه‌ریزی و مدیریت کنند تا از ناهنجاری‌ها و عوامل کاهش‌دهنده زیست‌پذیری شهری جلوگیری شود و این عمل در سایه مدیریت و مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد تحقق می‌یابد.

نتیجه‌گیری

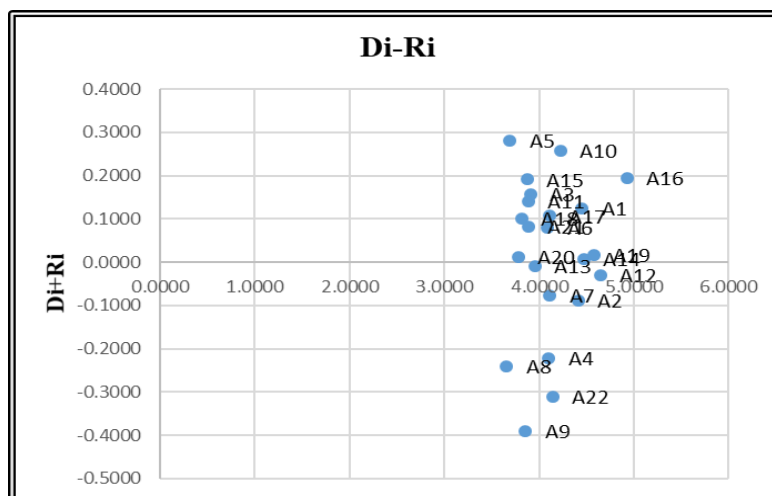
آسیب‌های اجتماعی و طیف متنوع آن یکی از معضلات اساسی بیشترها شهرها و کلان‌شهرهاست و نقش بسیار مؤثر در همه ابعاد زندگی فردی، خانوادگی و جامعه دارد. این پدیده می‌تواند تمام ابعاد اجتماعی و سیاسی جامعه را دربرگیرد و کاهش چشمگیری در زیست‌پذیری داشته باشد و این امر سبب شده است تا همه سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان، سازمان‌های مردم‌نهاد و غیره به آن توجه جدی داشته باشند. با وجود این، امروزه بیشتر شهرهای کشور با نبود فضاهای شاد و سرزنده مواجهند و درواقع فضاهای قابل سکونت در شهرهای کوچک و میانه‌اند، دچار روحیه انزواطلبی و بیگانگی هویتی شده‌اند که چندان برای ساکنان بومی قابل قبول نیست و بیشتر ساکنان نیازهای خود را از شهرهای بزرگ تأمین می‌کنند.

مدیران، سیاست‌گذاران و سایر نهادهای تصمیم‌گیر باید طوری فضاهای شهری را مدیریت کنند که سبب ارتقای زیست‌پذیری در فضای شهری شوند تا آسیب‌های اجتماعی به حداقل ممکن برسد. فراهم کردن شهر زیست‌پذیر به همراه رضایت، خوشنودی، سعادت و غیره برای شهروندان یکی از دغدغه‌های اصلی هر برنامه‌ریز و مدیریت‌کننده است؛ بنابراین بررسی پژوهش حاضر این امکان را برای مدیران و سیاست‌گذاران شهری فراهم می‌کند که وجود چنین آسیب‌های اجتماعی در سطح فضای شهری می‌تواند روزبه‌روز بر افزایش مشکلات زیست‌پذیری دامن بزند؛ بنابراین برای دستیابی به شهر سالم و عاری از معضلات و آسیب‌های اجتماعی سهم افزایش مشارکت شهروندان و آگاهی آن‌ها در بیشتر زمینه‌های اجتماعی می‌تواند مفید باشد؛ بنابراین در پژوهش حاضر به بررسی تأثیر آسیب‌های اجتماعی بر

زیست‌پذیری فضاهای شهری در شهر شاهین‌دژ پرداخته شد. در این پژوهش، از ۲۲ شاخص استفاده و برای میزان هم‌بستگی و رابطه معناداری آن‌ها از آزمون t تک‌نمونه‌ای و دیمتلفازی به کار گرفته شد.

نتایج حاصل از نظرات شهروندان جامعه براساس آزمون t نشان می‌دهد که با سطح اطمینان ۹۵ درصد تفاوت معناداری بین میانگین شاخص‌های مورد بررسی با میانگین متوسط ۳ وجود دارد. همه شاخص‌های تحقیق با ضریب سطح معناداری (۰/۰۰۰) و از میزان ۰/۰۵ کمتر است. همچنین میزان معناداری شاخص‌های مورد سنجش را نشان می‌دهد؛ بنابراین شاخص‌هایی که میانگین آن‌ها کمتر از ۳ به است، با سطح اطمینان ۹۵ درصد قابل قبول نیستند. شاخص‌های بیکاری، بیگانگی، بی‌هویتی اجتماعی و سرقت و باج‌گیری بیش‌ازحد متوسط میانگین ۳ به دست آمده و جزء مسائل اصلی آسیب اجتماعی نمونه موردی است. همچنین نتایج حاصل از دیمتلفازی در بخش $Di+Ri$ نشان می‌دهد شاخص بیکاری با کسب امتیاز ۴/۹۳ در جایگاه نخست واقع شده و بیانگر میزان اهمیت آن در کاهش زیست‌پذیری در منطقه مورد مطالعه است. دومین شاخص از نظر کارشناسان و خبرگان جامعه موضوع بیگانگی و بی‌هویتی اجتماعی است که نقش اساسی می‌تواند در افزایش نابسامانی فضاهای زیست‌پذیر داشته باشد؛ در نتیجه در جایگاه دوم با امتیاز ۴/۶۴ قرار دارد. در نهایت بعد مدیریت ناکارآمد نیز از نظر کارشناسان می‌تواند نقشی مهمی در کاهش زیست‌پذیری داشته باشد و در نتیجه در جایگاه سوم واقع شده است و سایر عوامل نیز با توجه به امتیازهای کسب‌شده در جایگاه‌های بعدی قرار دارند.

همچنین نتایج حاصل از دیمتلفازی در بخش $Di-Ri$ گویای آن است که عوامل مثبت نشان‌دهنده میزان مؤثر بودن هستند و اگر منفی هم باشند، نشان‌دهنده میزان اثرپذیری هستند. در این میان، شاخص میزان درآمد با کسب امتیاز ۰/۲۸۱ در جایگاه نخست قرار دارد. نابرابری اجتماعی نیز با کسب امتیاز ۰/۲۵۷ در جایگاه دوم و در نهایت شاخص بیکاری با امتیاز ۰/۱۹۴ در جایگاه سوم واقع شده است. سایر شاخص‌ها نیز در جایگاه‌های بعدی قرار دارند؛ بنابراین همه این شاخص‌ها جزء عوامل علی محسوب می‌شوند. در گروه معلول نیز عواملی مانند کم‌سوادی، بیگانگی و بی‌هویتی اجتماعی، اعتیاد، شکاف فقر و غیره وجود دارد که جزء شاخص‌های تأثیرپذیر محسوب می‌شوند؛ بنابراین نتیجه همه شاخص‌ها به صورت علت و معلول در شکل ۲ آمده است.



شکل ۲. نمودار علی شاخص‌ها

بر اساس شکل ۲ همه شاخص‌های تأثیرگذار نقش مهمی در کاهش زیست‌پذیری دارند و پایداری محدوده را با چالش‌های بسیاری روبه‌رو می‌کنند. اگر این شاخص‌ها (علت) در کوتاه‌مدت اصلاح شوند، می‌توانند مقدمه پایداری را فراهم کنند؛ در غیر این صورت در بلندمدت دستیابی به پایداری با چالش‌های فراوانی همراه خواهد بود. همچنین براساس شکل ۲، حدود هشت شاخص جزء شاخص‌های معلول هستند که تحت تأثیر عامل علت قرار دارند و هرگونه بهبود در روند عامل‌های علی می‌تواند بهبود وضع شاخص‌های معلول را به‌همراه داشته باشد؛ بنابراین عامل درآمد نامناسب جزء تأثیرگذارترین و کم‌سوادترین جزء تأثیرپذیرترین شاخص‌ها قلمداد می‌شوند. از سوی دیگر یافته‌های این پژوهش با مقاله‌های شمعی و همکاران (۱۳۹۵)، جلوداران (۱۳۹۶) و لطفی و همکاران (۱۳۹۳) هم‌خوانی دارد. با توجه به موارد مذکور پیشنهادهایی برای برون‌رفت از وضعیت موجود و بهبود آن ارائه شده است که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- بهره‌مندی مناسب از توان مشارکت مردم در راستای پیشگیری و برخورد با انواع آسیب‌های اجتماعی؛
- ارتقای سطح سواد رسانه‌ای جامعه و افزایش آگاهی و بینش والدین و خانواده‌ها از فضای مجازی برای کاهش هر نوع بروز آسیب‌های اجتماعی؛
- ساماندهی اقتصادی در ابعاد مختلف، به‌ویژه اشتغال‌زایی برای بهبود درآمد با توجه به تأثیرگذارترین شاخص در پژوهش حاضر؛
- ارائه خدمات مناسب و مداخله‌ای به افراد آسیب‌دیده اجتماعی از لحاظ اعتیاد، کاهش فقر و غیره که جزء شاخص‌های معلول هستند.
- توجه بیشتر به آسیب اجتماعی در کنار توجه به آسیب‌دیدگان اجتماعی؛
- کاهش نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی از لحاظ شاخص‌های تأثیرگذار و اثرپذیر؛
- توجه به خانواده‌های بی‌بضاعت و فقیر که زمینه‌ساز انواع آسیب‌های اجتماعی هستند.
- افزایش رشد صنعت و پیشرفت‌های فناوری برای بهبود درآمد ساکنان؛
- توجه ویژه به آموزش و مهارت‌های زندگی شهروندان برای کاهش آسیب‌های اجتماعی؛
- ارتقای نقش وسایل ارتباط جمعی در زمینه پیشگیری از مشکلات اجتماعی؛
- آموزش‌دادن و آشناکردن سازمان‌ها و نهادها با سطوح مختلف پیشگیری آسیب‌های اجتماعی برای بهبود زیست‌پذیری فضاهای شهری؛
- توجه جدی مسئولان و مردم به روند نامناسب آسیب‌های اجتماعی در جامعه برای بهبود زیست‌پذیری.

منابع

- احمدی، حبیب و مهدی معینی (۱۳۹۴). «بررسی رابطه مهارت‌های اجتماعی و رفتارهای پرخطر جوانان: مطالعه موردی شهر شیراز»، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، شماره ۱، صص ۱-۲۴.
- افخمی عقدا، محمد، نعیم یآوری، مجید، ملک ثابت، حمزه، مهرپرور، امیرهوشنگ، فلاحتی، مریم و مهدیه لایح (۱۳۹۵). «بررسی رابطه آسیب‌های اجتماعی با کیفیت زندگی در شهر یزد»، مجله علمی-پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، شماره ۳، صص ۲۴۱-۲۵۰.
- امیری، مجتبی، پورموسوی، سید موسی و منصوره صادقی (۱۳۹۲). «مطالعه آسیب‌های اجتماعی ناشی از حاشیه‌نشینی در منطقه ۱۹ شهرداری تهران از دیدگاه مدیران شهری»، فصلنامه اقتصاد و مدیریت شهری، شماره ۵، صص ۱۱۹-۱۳۷.
- آروین، محمود، فرهادی‌خواه، حسین، احمدپور، احمد و الیاس منبری (۱۳۹۷). «ارزیابی شاخص‌های زیست‌پذیری شهری براساس ادراک ساکنان (نمونه موردی: شهر اهواز)»، دانش شهرسازی، شماره ۲، صص ۱-۱۷.
- بندرآباد، علیرضا و فرشته احمدی‌نژاد (۱۳۹۳). «ارزیابی شاخص‌های کیفیت زندگی با تأکید بر اصول شهر زیست‌پذیر در منطقه ۲۲ تهران»، مجله پژوهش‌های برنامه‌ریزی شهری، شماره ۵، صص ۵۵-۷۵.
- جعفری اسدآبادی، حمزه، ساسان‌پور، فرزانه و سیمین تولایی (۱۳۹۲). «قابلیت زیست‌پذیری شهرها در راستای توسعه پایدار شهری (مطالعه موردی: کلان‌شهر تهران)»، انجمن جغرافیای ایران، شماره ۴۲، صص ۱۲۹-۱۵۷.
- جلوداران، هادی (۱۳۹۶). «تحلیلی بر فضاهای شهری حاشیه با رویکرد امنیت (SBD) در کاهش آسیب‌های اجتماعی (نواحی حاشیه شهر همدان)»، مطالعات محیطی هفت‌حصار، شماره ۲۰، صص ۱۵-۲۶.
- حاتمی‌نژاد، حسین، رضوانی، محمدرضا و فریبا خسروی کردستانی (۱۳۹۳). «سنجش میزان زیست‌پذیری منطقه دو شهر سنجند»، نشریه تحلیل فضایی مخاطرات محیطی، شماره ۴، صص ۲۳-۳۷.
- خاکپور، براتعلی و عیسی پیری (۱۳۸۴). «آسیب‌شناسی اجتماعی شهر و نقش سرمایه‌های اجتماعی و کالبدی شهروندان در کاهش آن»، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۶، صص ۱۳-۳۰.
- خوش‌فر، غلام‌رضا، بارگاهی، رضا و شهاب کرمی (۱۳۹۲). «سرمایه اجتماعی و پایداری شهری (مطالعه موردی: شهر گرگان)»، مطالعات شهری، شماره ۸، صص ۳۱-۴۶.
- رستگار، عباسعلی، گلشاهی، بهنام و ناهید درستکار احمدی (۱۳۹۷). «بررسی عوامل مؤثر در توانمندسازی کودکان کار و خیابان: نقش سرمایه اجتماعی و کارآفرینی اجتماعی»، فصلنامه توسعه اجتماعی، شماره ۴، صص ۵۷-۷۸.
- رفیعی، حسن، مدنی قهفرخی، سعید و مرونه وامقی (۱۳۸۷). «مشکلات اجتماعی در اولویت ایران»، مجله جامعه‌شناسی ایران، شماره ۱ و ۲، صص ۱۸۴-۲۰۸.
- روستا، مجید و سیاوش پالیزیان (۱۳۸۸). «تحلیل شاخص‌های کیفی اقتصادی-اجتماعی مبتنی بر مطالعات و مشاهدات میدانی در راستای شناسایی محلات غیررسمی (مورد مطالعه: سکونتگاه‌های غیررسمی علامه در حوزه شهری پاکدشت)»، هفت شهر، شماره ۲۹-۳۰، صص ۲۹-۴۰.
- روشن‌قیاس، کلثوم، احمدی، علی و فریبرز محبی (۱۳۹۶). «بررسی رابطه کارآفرینی اجتماعی بر کاهش آسیب‌های اجتماعی (مطالعه موردی: معتادان بهبودیافته شهر قزوین)»، فصلنامه علمی-تخصصی دانش انتظامی قزوین، شماره ۲۳، صص ۶۶-۸۳.

- رهنمایی، محمدتقی و پروانه شاه‌حسینی (۱۳۸۳). *فرایند برنامه‌ریزی شهری/ایران*. تهران: انتشارات سمت.
- سلیمانی مهرنجانی، محمد، تولایی، سیمین، رفیعیان، مجتبی، زنگانه، احمد و فروغ خزائی‌نژاد (۱۳۹۵). «زیست‌پذیری شهری: مفهوم، اصول، ابعاد و شاخص‌ها»، پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری، شماره ۱، صص ۲۷-۵۰.
- شاه‌آبادی، زارع، بنیاد، لیلا و فاطمه کامیارفرد (۱۳۹۷). «بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مرتبط با احساس نابرابری اجتماعی در شهر کازرون»، مطالعات جامعه‌شناختی شهری، شماره ۲۳، صص ۱۲۵-۱۴۶.
- شاهپوندی، احمد، قلعه‌نویی، محمود و مریم علیپور اصفهانی (۱۳۹۳). «بررسی ویژگی‌های کالبدی و اثرگذاری آن بر سرزندگی و زیست‌پذیری محله‌های قدیم شهر»، دو فصلنامه علمی-پژوهشی مرمت و معماری ایران، شماره ۹، صص ۱۳-۲۶.
- شماعی، علی، ساسان‌پور، فرزانه، سلیمانی، محمد، احدنژاد، محسن و تقی حیدری (۱۳۹۵). «تحلیل زیست‌پذیری بافت‌های فرسوده شهری (مطالعه موردی: بافت فرسوده شهر زنجان)»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۴، صص ۷۸۳-۷۹۹.
- شماعی، علی و لیلا بیگدلی (۱۳۹۵). «ابعاد زیست‌پذیری در منطقه ۱۷ تهران»، جغرافیا، شماره ۵۰، صص ۱۷۱-۱۹۱.
- شماعی، علی، عین‌شاهی میرزا، محمد و جواد ملکان (۱۳۹۱). «بررسی عوامل و پدیده‌های مؤثر بر بروز جرائم و آسیب‌های اجتماعی در کلان‌شهرها (با تأکید بر مناطق حاشیه‌نشین)»، مجله اطلاعات جغرافیایی سپهر، شماره ۸۳، صص ۴۵-۵۰.
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۷). *آسیب‌شناسی اجتماعی*، چاپ سوم، تهران: سمت.
- طاهری گلوندانی، رقیه (۱۳۹۱). «اینترنت و آسیب‌های اجتماعی»، نخستین کنگره ملی فضای مجازی و آسیب‌های اجتماعی نوپدید، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، تهران.
- عظیمی، حسین (۱۳۹۵). «نقش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در کاهش آسیب‌های اجتماعی طی سال‌های ۱۳۹۰ تا پایان ۱۳۹۴ با نقش میانجی اشتغال»، نشریه مطالعات کمی در مدیریت، شماره ۴، صص ۱۶۹-۱۹۴.
- علی‌اکبری، اسماعیل (۱۳۸۳). «توسعه شهری و آسیب‌های اجتماعی در ایران»، مجله پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۸، صص ۴۹-۶۹.
- فیض‌پور، محمدعلی و عزت‌اله لطفی (۱۳۹۳). «تمایزات اقتصادی و آسیب‌های اجتماعی مناطق کشور (مطالعه نرخ بیکاری و میزان خودکشی)»، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، شماره ۱، صص ۱۵۳-۱۶۶.
- کلاتتری، محسن، پوراحمد، احمد و یعقوب ابدالی (۱۳۹۸). «تحلیل فضایی بزهکاری بافت‌های ناکارآمد شهری (مطالعه موردی: محله هرندی منطقه ۱۲ تهران)»، فصلنامه پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری، شماره ۱۹، صص ۴۹-۶۰.
- لطفی، صدیقه، پردی آنامرادنژاد، رحیم و محمد ساسانی‌پور (۱۳۹۳). «بررسی احساس امنیت در فضاهای عمومی (مطالعه موردی: کلان‌شهر شیراز)»، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، شماره ۱۹، صص ۳۹-۵۶.
- قرشی، سیده مائده، نعمتی‌زاده، نسیم و عارفه حسنی (۱۳۹۳). «اولویت‌بندی آسیب‌های اجتماعی در شهر ورامین»، فصلنامه دانش انتظامی شرق تهران، شماره ۱، صص ۱-۱۶.
- محسنی، رضاعلی (۱۳۸۸). «اولویت‌بندی آسیب‌ها و مسائل شهری در ایران: مطالعه موردی شهر گرگان»، پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، شماره ۳، صص ۲۳-۴۲.
- مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران (۱۳۹۱). *شناسایی شاخص‌های اجتماعی به‌منظور تدوین مدل اولویت‌بندی موضوعات و مسائل حوزه شهری*، معاونت مطالعات و برنامه‌ریزی امور اجتماعی و فرهنگی، انتشارات: مدیریت فناوری اطلاعات و مرکز اسناد.

- معمدی، سید هادی (۱۳۸۶). «اولویت‌بندی آسیب‌ها و مسائل اجتماعی در ایران»، رفاه اجتماعی، شمار، ۲۴، صص ۳۲۷-۳۴۸.
- معیدفر، سعید و نفیسه حمیدی (۱۳۸۶). «زنان سرپرست خانوار: گفته‌ها و آسیب‌های اجتماعی»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۳۲، صص ۱۳۱-۱۵۸.
- ملکی، سعید، مودت، الیاس و محمدعلی فیروزی (۱۳۹۳). «ارزیابی و رتبه‌بندی آسیب‌پذیری اجتماعی شهرها در برابر زلزله با مدل تاپسیس و GIS (نمونه موردی شهر یزد)»، برنامه‌ریزی و آمایش فضا، شماره ۳، صص ۹۹-۱۲۳.
- Shahabadi, Z., Bonyad, L., & Kamiarfard, F. (2018). A Study of Social and Cultural Factors Related to the Feeling of Social Inequality in the City of Kazerun. *Urban Sociological Studies*, 8(23), 125-146. (In Persian)
- Abbasli, R., Golshahi, B., & Dorostkar Ahmadi, N. (2018). Investigating Effective Factors on Impowerment of Street and Working Children: The Role of Social Capital and Social Entrepreneurship. *Social Development*, 12(4), 78-57. (In Persian)
- Jafari Asadabadi, H., Sasanpour, F., & Tavallaee, S. (2013). Liability of Cities for Sustainable Urban Development. *Geography*, 12(42), 129-157. (In Persian)
- Rahnamaei, M. T., & Shah Hosseini, P. (2004). *Iranian Urban Planning Process*. Tehran: SAMT Publications. (In Persian)
- Maleki, S., Mavedate, E., & Firoozi, M. A. (2014). Social Vulnerability Assessment and Ranking of Cities in Earthquake TOPSIS Model and GIS (A Case Study City of Yazd). *The Journal of Spatial Planning*, 18(3), 99-124. (In Persian)
- Afkhami Aghda, M., Maleksabet, H., Mehrparvar, H., Falahati, M., & Laeh M. (2016). Investigating the Relationship between Social Damages and the Quality of Life in Yazd City. *Journal of Shahid Sadoughi University of Medical Sciences*, 24(3), 241-250. (In Persian)
- Ahmadi, H., & Moeini, M. (2015). An Investigation of the Relationship between Social Skills and High Risk Behaviors among the Youth: the Case of Shiraz City. *Strategic Research on Social Problems in Iran*, 1, 1-24. (In Persian)
- Ali Akbari, E. (2004). Urban Development and Social Harm in Iran. *Journal of Geographical Research*, 48, 49-69. (In Persian)
- Amiri, M., Pourmousavi, S. M., & Sadeghi, M. (2013). An Investigation into Social Harms Originating in Squatter Settlement in the District 19 of Tehran Municipality from Urban Managers. *Journal of Urban Economics and Management*, 2(5), 119-137. (In Persian)
- Arvin, M., Farhadikhah, H., AhmadPour, A., & Moniri, E. (2018). Evaluation of Urban Livability Indicators Based on the Perception of Residents (Case Study: Ahvaz City). *Urban Planning Knowledge*, 2(2), 1-17. (In Persian)
- Atef Elsway, A. (2019). Assessing Livability of Residential Streets – Case Study: El-Attarin, Alexandria, Egypt. *Alexandria Engineering Journal*, 58(2), 745-755.
- Azimi, H. (2016). The Role of Technical and Vocational Education in Reducing Social Harms during the Years 2011 to the End of 2014 with the Role of Employment Mediator. *Quarterly Journal of Quantitative Studies in Management*, 7, 169-194. (In Persian)
- Badland, H., Whitzman, C., Lowe, M., Davern, M., Aye, L., Butterworth, I., Hes, D., & Giles-Cortia, B. (2014). Urban Liveability: Emerging Lesson from Australian for exploring the potential for Indicators to Measure the Social Determinants of Health. *Social Science and Medicine*, (111), 64-73.

- Bandarabad, A., & Ahmadinezhad, F. (2014). Assessment of Quality of Life with Emphasis on the Principles of Habitable Cities in the Region 22 of Tehran. *Journal of Research and Urban Planning*, 5(16), 55-75. (In Persian)
- Climent-Gila, E., Aledo, A., & Vallejos-Romero, A. (2018). The Social Vulnerability Approach for Social Impact Assessment. *Environmental Impact Assessment Review*, 73, 70-79.
- Dhaliwal, G. S., Sangha, G. S., & Ralhan, P. K. (2000). *Fundamentals of Environmental Science*. Kalyani Publisher., New Delhi.
- Elcheroth, G., & Spini, D. (2009). Public Support for the Prosecution of Human Rights Violations in the Former Yugoslavia. *Journal of Peace Psychology*, 15(2), 189-214.
- Feizpour, M., & Lotfi, E. (2014). Economical Distinctions and Social Problems of Iran: Rates of Unemployment and Suicide). *Strategic Research on Social Problems in Iran*, 4, 153-166. (In Persian)
- Forney, J., Schwendler, T., & Marie Ward, R. (2019). Examining Similarities in Eating Pathology, Negative Affect, and Perfectionism among Peers: A Social Network Analysis. *Appetite*, 137, 236-243.
- Freyenhagen, F. (2015). Honneth on Social Pathologies: A Critique. *Critical Horizons*, 16(2), 52-131.
- Geng, Y., Fujita, T., Bleischwitz, R., Chiu, A., & Sarkis, J. (2019). Accelerating the Transition to Equitable, Sustainable, and Livable Cities: Toward Post-Fossil Carbon Societies. *Journal of Cleaner Production*, 239, 1-9.
- Georg, F. (2010). *The Nature of Urban Space*, Dept. of Digital Methods in Architecture and Planning, Vienna University of Technology.
- Harpham, T., Burton, S., & Blue, I. (2001). Healthy City Projects in Developing Countries: The First Evaluation. *Health Promotion International*, 16(2), 111-125.
- Hataminejad, H., & Rezvani, M. (2015). Msc of Spatial Planning F. Spatial Analysis of the Livability of District (2) of Sanandaj City. *Journal of Spatial Analysis Environmental Hazards*, 1(4), 23-37. (In Persian)
- Hernandez, S., & Monzon, A. (2016). Key Factors for Defining an Efficient Urban Transport Interchange: Users' Perceptions. *Cities*, 50, 158-167.
- İnceoğlu, M., & Aytug, A. (2009). The Concept of Urban Space Quality. *Eskişehir*, 4(3), 131-146.
- Islam, N., Huda, N., Narayan, F. B., & Rana, P.B. (1997). *Addressing the Urban Poverty Agenda in Bangladesh*. UPL: Dhaka.
- Jlodarn, H. (2017). Analysis of Peripheral Urban Spaces with Security by Design Approach in order to mitigate Social Injury (Case Study: Peripheral Areas of Hamedan City). *hafthesar*, 5(20), 19-30. (In Persian)
- Kaal, H. (2011). A Conceptual History of Livability. *City: Analysis of Urban Trends, Culture, Theory, Policy, Action*, 15(5), 532-547.
- Kalantari, M., Pourahmad, A., & Abdali, Y. (2019). Spatial Analysis of Crime in the Urban Obsolete Texture, Case Study: Neighborhood Harandi, District 12 Tehran. *Urban Ecology Researches*, 10, 49-60. (In Persian)
- Kasarda, J. D., & Lindsay, G. (2011). *Aerotropolis: The Way We'll Live Next*. Published by Farrar, Straus and Giroux.
- Khakpour, B., & Piri, E. (2005). Social Pathology of the City and the Role of Social and Physical Capital of Citizens in Reducing It. *Journal of Social Sciences*, 2, 30-13. (In Persian)

- Khoshfar, Gh. R., Bargahi., R., & Karami, Sh. (2014). Social Capital and Urban Sustainability. *Motaleate Shahri*, 8, 31-46. (In Persian)
- Kourtit, K. (2015). *The 'New Urban World'– Economic-Geographical Studies on the Performance of Urban Systems*. Poznan, Poland: Adam Mickiewicz University.
- Laitinen, A., & Sarkela, A. (2019). Four Conceptions of Social Pathology. *European Journal of Social Theory*, 22(1), 80-102.
- Leby, J. L., & Hashim, A. H. (2010). Liveability Dimensions and Attributes: Their Relative Importance in the Eyes of Neighbourhood Residents. *Journal of Construction in Developing Countries*, 15(1), 67-91.
- Liu, J., Nijkamp, P., Huang, X., & Lin, D. (2017). Urban Livability and Tourism Development in China: Analysis of Sustainable Development by Means of Spatial Panel Data. *Habitat International*, 68, 99–107.
- Lotfi, S., Pardi Anamradnejad, R., & Sasanipour, M. (2014). A Study of the Sense of Security in Public Spaces (Case Study of Shiraz Metropolis). *Journal of Urban Research and Planning*, 5, 39-56. (In Persian)
- Maedeh Qarashi, S., Nematizadeh, N., & Hassani, A. (2014). Prioritization of Social Harms in Varamin City. *East Tehran Law Enforcement Quarterly*, 1, 1-16. (In Persian)
- Mahmoudi, M., Ahmad, F., & Abbasi, B. (2014). Livable streets: The Effects of Physical Problems on the Quality and Livability of Kuala Lumpur Streets. *Cities*, 43, 104-114.
- Mccrea, R., & Walters, P. (2012). Impacts of Urban Consolidation on Urban Liveability: Comparing an Inner and Outer Suburb in Brisbane, Australia. *Housing Theory and Society*, 29(2), 1-17.
- Moeidfar, S., & Hamidi, N. (2007). Women Heads of Households: Unspoken and Social Harms. *Journal of social sciences letter*, 32, 131-158. (In Persian)
- Mohseni, R. A. (2009). Prioritization of Damages and Urban Issues in Iran Case study of Gorgan. *Social Sciences Research Journal*, 3(3), 23-42. (In Persian)
- Motamedim H. (2007). To Make Priority of Social Problems in Iran. *Social Welfare Quarterly*, 6(24), 327-348. (In Persian)
- Mueller, J., Lu, H., Chirkin, A., Klein, B., & Schmitt, G. (2018). Citizen Design Science: A strategy for crowd-creative urban design. *Cities*, 72, 181-188.
- Pacione, M. (2003). Urban Environmental Quality and Human Well-being: A Social Geographical Perspective. *Landscape and Urban Planning*, 65, 19-30.
- Pandey U, R., Garg, Y., & Bharat, A. (2013). Understanding Qualitative Conceptions of Livability: An Indian Perspective. *International Journal of Research in Engineering and Technology*, 2(12), 374-379.
- Panditharathne, K. P. M. S. (2016). *Urban Space and Meaning*. Digital Library Srilanka: University of Moratuwa.
- Porio, E. (2014). Sustainable Development Goals and Quality of Life Targets: Insights from Metro Manila. *Current Sociology*, 63(2), 244–260.
- Soleimani Mehrenjani, M., Tavallai, S., Rafieian, M., Zanganeh, A., & khazaei Nezhad, F. (2016). Urban Livability: The Concept, Principles: Aspects and Parameters. *Geographical urban planning research*, 4(1), 27-50. (In Persian)
- Rafiei, H., Madani-GHahfarokhi, S., & Vameghi, M. (2008). Priorities of Social Problems in Iran. *Iranian Sociological of Association*, 1-2, 184-208. (In Persian)
- Ranabir Singh, S., Singh, R., Eghdami., M. R., & Singh, S. (2018). The Concept of Social Vulnerability: A Review from Disasters Perspectives. *International Journal of Interdisciplinary and Multidisciplinary Studies*, 1(6), 71-82.

- Roshan Ghias, K., Ahmadi, A., & Mohebbi, F. (2017). Social Entrepreneurship Relationship Survey on Social Inconveniences Reduction (Case Study: Recovered Addict in Qazvin City). *Qazvin Disciplinary Science Quarterly*, 4, 83-66. (In Persian)
- Rousta, M., & Palizban., S. (2009). Analyzing Qualitative Social and Economic Criteria Based on Field Observation. *Haft Shahr*, 29, 29-40. (In Persian)
- Shahivandi, A., Ghalenoui, M., & Alipour Isfahani, M. (2014). The Evaluation of Physical Features and Their Impact on the Liveliness and Viability of City's Old Neighborhoods (Case study: Sonbolstan Neighborhood in Isfahan). *Maremat and Me'mari-e Iran*, 5, 13-26. (In Persian)
- Shamaei, A., & Bigdeli, L. (2016). Dimensions of Livability in District 17 of Tehran. *Geography*, 14, 171-191. (In Persian)
- Shamaei, A., Ein Shahimirza., M., & Malekan, J. (2012). Investigating Factors and Phenomena Affecting the Incidence of Social Crimes and Social Injuries in Metropolises (With Emphasis on Marginalized Areas). *Scientific-Research Quarterly of Geographical Data (SEPEHR)*, 21, 50-54. (In Persian)
- Shamaei, A., Sasanpour, F., Soleimani, M., Ahadnejad, M., & Heidari, T. (2016). The Analysis of Livability in Urban Distressed Areas (A Case Study: old textures of Zanjan). *Human Geography Research*, 48, 783-799. (In Persian)
- Shamsuddin, S., Hassan, N. R. A., & Sulaiman, A. B. (2013). Livability of Kuala Lumpur City Centre: An Evaluation of the Happiness Level of the Streets- Activities. *International Journal of Social, Behavioral, Educational, Economic, Business and Industrial Engineering*, 7(6), 1863-1869.
- Siddiq Sarvestani, R. (2008). *Social Pathology*. Tehran: SAMT. (In Persian)
- Taheri Golvandani, R. (2012). *Internet and Social Harm*. Paper presented at the First National Congress on Cyberspace and Emerging Social Harm. Ministry of Cooperatives, Labor and Social Welfare, Tehran. (In Persian)
- Tehran Urban Research and Planning Center. (2012). *Identification of Social Indicators in Order to Develop a Model for Prioritizing Issues and Problems in the Urban Area*. Deputy for Studies and Planning of Social and Cultural Affairs, Publications: Information Technology Management and Documentation Center. (In Persian)
- Teo, S. (2014). Political Tool or Quality Experience? Urban Livability and the Singaporean State's Global City Aspirations. *Urban Geography*, 35(6), 916-937.
- Thompson, M. (2018). Hierarchy, Social Pathology and the Failure of Recognition Theory. *European Journal of Social Theory*, 22(1), 10-26.
- Thompson, V. (2003). Telling "Spatial Stories" Urban Space and Bourgeois Identity in Early Nineteenth-Century Paris. *Journal of Modern History*, 75(3), 523-556.
- Wekerle, G. R., & Carolyn, W. (1998). *Safe Cities, Guidelines for Planning, Design, and Management*. Publisher: Van Nostrand Reinhold.